

افغان مینى مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

یادداشت مدیر

آغاز بیست وهفتمین سال انتشار امید (مطلبی هم در بارهٔ خنازیر حکومت وحشت ملی)

بیست وشش سال پیش ازین، چاپ وپخش هفته نامهٔ امید را در شه‌هیوارد شمال کالیفورنیا، باتائیدات الهی، به همکاری فرزندانم و همسرم شروع کردم. بزودی همکاران گرانقدر ودانشمند وبزرگوار از سراسرامریکا، کانادا، اروپا، آسترالیا، وحتی از افریقاآنرا با ارسال مقالات پژوهشی سیاسی، تاریخی، ادبی و ذوقی مبدل به غنی ترین نشریهٔ افغانستانی درسراسرجهان ساختند. ازافریقا نام گرفتم، شاید بعضی هاآنرامبالغه بشمارند، امادوتن ازدانشمندان بزرگ ماداکتر محمدعثمان هاشمی، که درشهرکازابلانکای المغرب استادفاکولته بودند و قاضی القضا‌ت سابق افغانستان پروفیسرداکترعبدال‌الحکیم ضیایی که در افریقای جنوبی اقامت داشتند، مدتهای طولانی حاصل پژوهشهای علمی وتفکرات سیاسی وفلسفی شانرابرای چاپ به امید می فرستادند. بهمین لحاظ امید درسومین وجهارمین وبپنجمین سال انتشارحدوده مشترک هموطن ازافریقا داشت. روان آن دومبارک دانشی مرد را خدای مهربان درکنف رحمت خویش بدارد.

خط مشی نشراتی امید ازآغازتا امروزوظندوستی، بیگانه ستیزی، رفیع داشتن مقام خدمتگزاران واقعی میهن، رد وطرّد نوکران وطنی بیگانگان، تجلیل وتبجیل ازفرزندان ملت که باخون خویش استقلال وحیثیت افغانستان را پاس داشتند، همهٔ مجاهدین حقیقی ومقاومتگران بیگانه ستیز، بویژه قهرمان ملی شهیدسعیدآمرصاحب احمد شاه مسعود، افشای حقایق تاریخی مردم و سرزمین آبایی ما، تردید کامل خودبرتربینی ها، اکثریت واهی قومی، برتری زبانی، مبتنی برواقعیتهای عینی بوده وخواهدبود. مبارزه بافاشیسم قومی، زبانی، سمتی وهرگونه مظاهر انحصارگرایی شاخص دیگرانتشارات امید بوده که تا ماشاءالله چنین خواهد بود.

باتاحاف درود وتحیات به ارواح همکاران بزرگوارامیدکه رخت به دنیای باقی کشیده اند، ازجمله والدمرحوم غلام حضرت کوشان، وفرزند آخرینم شادروان محمدعصیم کوشان، وبا عرض امتنان به خوانندگان وخواهندگان و مشترکین جریده، که بسیاری شان افزون براشتراک، مبلغی هم بطوراعانه می فرستند. درپایان این معروضهٔ کوتاه، به دست اندرکاران حکومت وحدت ملی خطاب می کنم :

یا ایهاالخنایزیر نشسته در ارگ و سپیدار ! ازخدا بترسید، از رسولش بشرمید و از ملت بزرگ افغانستان بهراسید. آخر ای دست نشاندگان جان کیری ! چیزی بنام وجدان، شرف، شرم، حیا و فضایی ازین دست رامی شناسید؟ اگر عقلی سالم داشته باشید، معانی این فضایل انسانی را میدانید؟ کارکردها و سرتبگی ها و بی بندو باری های تان نشان میدهند که شماها باچنین فضایل بیگانه وناآشنایید، وسراسر رذایل خودفروشی، وطن فروشی، خبائت، دنائت، پست فطرتی، شرارت راخوب میشناسید و بافریبکاری به کارمی بندید !

وگرنه پس ازگذشت نزدیک به چهارسال، چهارفقرهٔ خدمت تان رابه میهن و مردم نام بگیرید ومدلل وباسناد به ملت ارائه بدارید. حالا‌هم که روبه انتخابات شورای ملی ومحلی وبزودی انتخابات ریاست جمهوری میرویم، کارهایتان سراسر تظاهر وفریب وخاک به چشم زدن مردم است، ولاغیر !

ای خنازیر تکیه زده برکرسی های ریاستهای جمهور واجراییه ! بدانید و آگاه باشیدکه چیزی بیشترازتره کی و امین نیستید بلکه کثیف تر و سیاه روی تراز آنانید ! سرنوشت آن خنزیرهای روس پرست، سرنوشت محتوم شما نیز هست ! مگر اینکه از طالب خواهی بیرهزید، از دست درازی به حق محقق فرد فرداین ملت خود داری کنید، در انتخابات های پیش رو رذیلانه دخالت مکنید، ومگر اینکه به پیشگاه ملت سرفراز افغانستان زانو زده و از کردار پرشثامت تان پوزش بخواهید، شایداین ملت مظلوم برشما ببخشاید، و روسیاهی هرکدام تان کمتر از ذغال شود !

این یادداشت را، نظربه اوضاع جاری کشور ومخالفتهاومعاندت

(دنباله درصفحهٔ آخر)

در امریکانه \$1.50

شمارهٔ اول / سال بیست وهفتم / ۳ ثور ۱۳۹۷ / ۲۳ اپریل ۲۰۱۸ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۴۵

باین شماره، بیست وهفتمین سال نشرات جریدهٔ امید آغاز شد. به این تقریب فرخنده، به بارگاه ایزد متعال پیشانی سپاس به خاک بندگی اش می ساییم، واز دربار مهربانش تمنای رحمت برملت مظلوم افغانستان می کنیم.

داکتر محمدحیدر

یک اسه Essay یا جهدپیرامون اسمای افغان وپشتون

مقدمه : ازعمرافغانستان بحیث یک دولت قریب سه صدسال گذشته است اماباشندگان این سرزمین درداشتن یک وجههٔ تسمیهٔ ملی واحد تاحال به موافقهٔ کامل نایل نشده اند . حتی دربین مردم غیرپشتون هم اتفاق نظردیده نمیشود، چنانچه برخی وسیع ازآنهاخود راافغان میشمارند امابرخی دیگر هنوزدر افغانستانی بودن شان پافشاری دارند وخود راافغان نمیدانند! به نظراین مخلص اینهمه حساسیتهادرقبال کلمهٔ افغان، ریشه درعملکردواعمال نادرست زمام داران گذشته داشته وعلاوه برآن سیاستهای خلاف مصالح ملی توسط دولت درسنوات سی قرن بیستم وتحریکات خارجی ورهبری سیاسی ناسالم موجوده آنها راعمیق ترساخته است. جهت روشن شدن قضیه ، خصوصاً برای نسل جوان وطنم ، لازم است تا درین باره بحث صورت گیرد که بدین منظوراین خادم وطن، نقاط نظرم را درین نوشته بیان می دارم .

علیرغم کارکردهای خصمانهٔ امیرعبدالرحمن درقبال مردم افغانستان درقرن نزده، بازهم همبستگی ملی درمراحل سرنوشت ساز تاریخ کشورمادیده شده است. درتاریخ مبارزات سیاسی نیمهٔ اول قرن گذشته، جریانات نهضت مشروطه خواهان زمان امیرحبیب الله خان وتا اندازهٔ درمبارزات شورای دورهٔ هفتم صدارت شاه محمود خان، فعالین سیاسی کشورما درمبارزات شان همیشه دریک صف قرار میگرفتند. امداریغ که این روحیهٔ ارفاق وروندتکاملی زیست با همی بین الاقوامی ازسیاستهای مبنی برتبعیضات قومی وعوامفریبانهٔ سنوات سی قرن گذشته صدمه دید که به عقیدهٔ این نویسنده جنجال برسرداشتن یک هویت ملی واحد درحال حاضر ازجمله، بازتاب آنها می باشد .

سرآغازاینهمه اقدامات نامیمون عکس العملی بود درقبال کشور همسایهٔ ما ایران که در۱۹۳۵تحت زمامداری رضاخان نام آن دولت از فارس به ایران تبدیل شد، نامی که با اندکی تغییرآریانای باستان را تداعی میکند ومایملمک تاریخی مشترک دولتهای افغانستان و فارس میباشد. جانب افغانستان دروهلهٔ اول به اهمیت تاریخی و سیاسی موضوع پی برده نتوانست اما چندی بعد متوجه شده وچنان یک عکس العملی بی معنی وبی ارتباط به این قضیه نشان داد که برای کشورما، به مراتب ازاصل قضیه، رنج آورتراثت گردید.

اولیای امورپنچل سر کشورماکه خود رامالکین مطلق افغانستان فکرمیکردند به اساس این فرضیهٔ واهی که (چون افغانستان کشور افغانها یعنی پشتونها است، به یک عمل کاملاً غیرعقلانی و ناشد متوسل شدند وسیاست ناممکن)پشتون سازی " Pashtoonization" جامعهٔ افغانستان رارویدست گرفتند. برای اینکه منبعد افغانستان از ایران کاملاً مجزا دانسته شود، لسان پشتولسان رسمی وملی اعلان شد ودردواپردولتی برای مامورین کورسهای اجباری لسان پشتو تاسیس گردید. لسان فارسی، زبان رسمی دواپردولتی ودربارهای افغانستان وسیلهٔ قبول شدهٔ افهام وتفهم Langua Franکا-تمامی اقوام کشورما ، ازنصاب تعلیمی حذف گردید که به اثرآن متعلمین مکاتب افغانستان تا۱۹۴۶از فراگیری آن، که این نویسنده ازآن جمله بودم، محروم شدند .

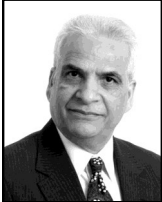
این همه تجاویزنامیمون، تراژیک وتحقق ناپذیرنه تنها باعث عکس العملها، حساسیتها وتنفردکاملاًمنطقی نزدسائراقوام کشورما شدند وسرآغازروحیهٔ بدبینی بین ملیتهای کشورما گردیدند، بلکه صدمهٔ مهلکی بود بررشد فرهنگی چندین نسل مردم ما ودرتحلیل نهائی باعث عقبمانی بیشترملیت پشتون افغانستان شد. زیرادرلسان پشتونه کدام اندوختهٔ علمی قابل توجه موجودبود که ازآن استفاده میشد نه کدام مرکزی بود که به این لسان حداقل مواد درسی برای متعلمین تهیه میکرد. این سیاست دروغین وبی اساس و فریبکارانهٔ «پشتون سازی» را که تعدادی ازپشتونهاهنوزهم تایید میکنند، باعث عقبمانی بیشترپشتونها‌ی افغانستان گردید !

(دنباله درصفحهٔ آخر)

داکتر عبدالوهاب هادی

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent: **Afzal Nasiri, Agent**
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت



داکتر عبدالوهاب هادی

استاد سابق فاکولتهٔ حقوق وعلوم سیاسی کابل

صحبت با همدلان

برادران وخوهران عزیز! آرزومندم سطور زیررا، که منظور از تحریرآن دست پیشی مثبت همهٔ ما درحیات پربادارهموطنان ما در افغانستان است، مطالعه فرموده ودرمورد ابرازنظرکنند:

یقین دارم برغم دوری اززادگاه مشترک، دربین ماکمترافرادی یافت میشوندکه دربارهٔ مردم غرق گشتهٔ شان درفقر وبی امنی و معروض به هرگونه دست اندازی وتجاوزات داخلی وخارجی عمیقاً احساس ناراحتی وتشویش نکنندبابه عاملین آن لعنت ونفرین نفرستند.

معتقدم که جمعیتهای ما درخارج، که دیریت جمعا آنراشش ملیون میخوانند، اینک پس ازتقریباً چهاردهه، ازبردن نام وانتقاد از دزدان سیاسی، حکام ورشوه خوران نافرمان ازقوانین، قاچاقبران بی وجدان وملاهای افراطی سخت منزجرند که پیوسته درظاهربنাম قانون اساسی یاقوانین انتخاباتی واحکام دینی وارزشهای ملی وغیره داده سخن میدهند، اما بااعمال زشت خودشان نظام جمهوری راپامال و مردم راغارت میکنند، چنانچه دریک مثال برجسته احکام میثاق یا وثیقهٔ ملی مردم رابا دزدی های سیاسی تاسرحدی زیرپاکردند که در مرحلهٔ اول معاون رئیس جمهور جارج بوش (پسر) ودرانتخابات اخیرمعاون رئیس جمهوراوباما، برخلاف اصول وپرنسیپهای بسیار با ارزش برای خودشان، دوتن افرادی رابه مقام رهبری حکومت برگزید که همدیگر رابه دزدی سیاسی وجعلکاری عظیم درانتخابات متهم میساختند! واکنون که درنزدمردم اعتبارشانرا ازدست داده اند، هردوبه وعده های اصلاحی قانون اساسی وقوانین انتخاباتی اعتنا نکرده وطوریکه پیداست آن معضلات ادامه دارد.

فکرمیکنم دوره عمده برای بازداری ازوخیم شدن بیشتراوضاع وجوددارد:

اول- پایه گذاری یک حرکت به نفع قانون اساسی(البته باتزئید بعضی مواد درآن) که ازدوام اوضاع ناهنجارکنونی جلوگیری کندبا دست کم تایک زمان سیرحرکت آنراکندسازد. پیش بینی یک دستگاه عدلی وقضایی مستقل وموثر به سطح ستره محکمه درقانون اساسی وهکذا ایجاد یک شورای رسیدگی به مراقبت ازتطبیق قوانین پارلمانی واحکام واجرات رئیس جمهور واعضای حکومتش، ازجمله این ایزادات حتمی خواهدبود. پیشگویی من اینست که اگرحرکت وجنبشی درخارج به طرفداری ازقانون اساسی وتطبیق آن بوجود آید، به جریانات مشابه درمیهن کمک خواهد کرد ودرنتیجه معضلات وهم چشمی های قومی وقبایلی، زبانی، منطقه طلبی و درز های ایجاد شده دربین مردم مازببین خواهد رفت، چه درقانون اساسی افغانستان، مانند قوانین اساسی سایرکشورها، برنامهٔ اساسی دولت درقالب رشد اجتماعی و اقتصادی وفرهنگی همهٔ اقوام ومردمان افغانستان پیشبینی شد ودلیلی باقی نمی ماندکه درپرتو ستراتژی و پالیسی های عدل وانصاف دولت، اصل وحدت و برادری اقوام و طوایف افغانستان دوباره احیا ومحکمترازپیش نگیرد.

دوم – سعی جمعی همه افغانهای مسکون درخارج برای کسب حق رأی در انتخابات ریاست جمهوری آینده است. همانطورکه درگذشته چندبار ازطریق تلویزیون وجریدهٔ وزین امید وسایر منابع خبری به همزادگاهانم ابرازکرده ام، اقامت درخارج واخذتابعیت یاحق اقامت دایم ازکشورمیزبان مانع ازشرکت در انتخابات زادگاه نمی گردد واین یک تعامل بین المللی است، مگراینکه کشور زادگاه آنرامنع یاکشورمیزبان به دلیل خاص آنرامنع نماید.

مردم افغانستان توسط نمایندگان شان درلویه جرگه صفت افغانیت رادرحق همه مهاجرین پذیرفتندکه درقانون اساسی برسمیت شناخته شده، نمی دانم چرا طی این سالها افغانهای مقیم خارج اقدامی دراین جهت نکردندوازطریق نمایندگی های سیاسی افغانستان این حق خود رابه کرسی نه نشانیدند. آقای کرزی بااستماع تقاضای من

(دنباله درصفحهٔ آخر)

ترجمه ونگارش: داکتر غلام محمد دستگیر
برومفیلده، کولورادو

کمبریج انالیتیکا و **سوء استفاده از تویتر و فیسبوک** قسمی که ممکن خبرداشته باشید درین روزها روی رول Cambridge Analytica (CA) یحتهای زیاد وجود دارد. روی این موضوع وال ستریت جورنال مقالهٔ توسط (شان ایللینگ) بروزجمعه ۱۷مارچ امسال تحت عنوان «کمبریج انالیکتیکا، شرکت مرموز Data (ارقام– معلومات) که ممکن کلید دریوند ترمپ – روسیه باشد…» نشر نمود وما آنرا ازطریق Voxبدست آورده ایم جهت معلومات مزید تان با تبصره ها تقدیم میداریم.
CA یک کمپنی شخصیت که منبع ارقام، دلالی ارقام و تحلیل ارقام را با وسایل ارتباطی ستراتیژیک یکجابرای پروسهٔ انتخابات استعمال میکند. در سال ۲۰۱۳ بیحث شاخهٔ نورستهٔ از کمپنی ایجاد کنندهٔ بریتانیایی گروپ SCL(لابراتواروسایل ارتباطی ستراتیژیک) برای حصه گرفتن در سیاست امریکا ظهور کرد. CA درسال ۲۰۱۴ درچهل وچهارمسابقهٔ سیاسی امریکانقش داشت. مالک این کمپنی قسماً فامیل (رابرت میرسر) که منیجر hedge-fund(کمپنی که پول ثروتمندان را گرفته به سرمایه گذاری می نهد، امکان دارد ملیونها دالریکه کرزبهاو اشرف غنیهاودیگردزدان توسط همین کمپنی سرمایه گذاری شده باشد) امریکاست، میباشد. ادارات مرکزی شان در لندن، نیویارک و واشنگتن دی سی تمرکز دارد.

CAدرپروفایل تهیه کردن (سایکوگرافیک) قابلیت تخصصی دارد. طوریکه باجمع آوری معلومات مختلف ازآنلاین میتواند تا پروفایل شخصیت یا Personality Profileرابرای هرفرد رای دهنده خلق نماید. بعد از بدست آوری معلومات، هرفردرا بامحتوی پیام مخصوص موردهدف قرارمیدهند.(درپایان مفصل تر بحث میشود).

تاکنون قصه هاو حدسیات متعدد، همه دربارهٔ رابطهٔ ممکنهٔ کمپاین ترمپ در قسمت معاملات پولی فامیل ترمپ واشخاصی چون (پال مانه فورت) که برای چندی منیجرکمپاین ترمپ هم بود، جرخ میزد. ولی این قصه هاحاکایت مینماید که چگونه تیم ترمپ به کمک این (کمپنی ارقام معلومات) امکان مداخلهٔ روسیه رادر انتخاب رئیس جمهورامریکا سهولت بخشیده اند.

اینک، آنچه وال ستریت جورنال دربارهٔ CAمیداند، رابطهٔ آنرا با کمپاین ترمپ دقیقاً مطالعه نموده وهم اینکه مولر به چه چیز امکان دارد عطف توجه داشته باشد، تقدیم میداریم:

ترمپ قشونی از متخصصین دیجیتال دارد. قرار راپور ژورنالیستان (نیکولاس کانفیسر و دانی حکیم) ازنویارتایمز CA توسط جرید کوشنر داماد یهودی ترمپ که مامور مواظبت امورعملیاتی دیجیتال ترمپ بود کمبریج انالیتیکا رابرای این امراستخدام نمود. کوشنر شخصی را بنام براد پارسکل متخصص دیجیتال را که درسابق برای تیم ترمپ کارکرده است از تکساس طلبید ومامور اموردیجیتال ساخت. درعین زمان قراراظهارات (کانفیسر و حکیم) CAبه پارسکل مذاکره نموده اورا قناعت میبخشد تاباری به کمپنی او سرزنند که درائر تشویق (ستیف بان) که درآنوقت وظیفهٔ معاون رئیس CAرا به عهده داشت وهم منیجرکمپاین ترمپ هم بود، فیصلهٔ پارسکال نهائی شد تا به کمبریج انالیتیکابیوندد (بعداً این شخص حاضرمیشود باکمیتهٔ استخبارات مجلس نمایندگان مصاحبه داشته باشد و گفته بود فکر نمیکند CAچندان کمک کرده باشد). ولی به اساس معلومات وال ستریت جورنال، آنها میدانستند که بصورت تکان دهنده shock (عملیات دیجیتال) ترمپ در این دور انتخابات بسیار خوب موثر بود.

قراروالستریت (سموئیل وولی)آمرپروژهٔ پروپاگندهای کمپوتری درموسسهٔ انترنت آکسفورد دریافت نمود که بصورت بی تناسب پیامهای طرفدارترمپ ازطریق Botهای اتوماتیکی و پروپاگندی ضدهیلری کلتنن که اوهم کاندیدریاست جمهوری بود زیاد نشرمیشود؛ Botهای ترمپ پنج مراتبه بیشتر از Botهای کلتنن در زمان انتخابات بود.

بات انترنت که بنام Web Robot، www روبات مشهوراند به سادگی آنرا Botیاد میکنند. درحقیقت یک "Appسافت وییر است

Emaid Weekly

12286 ASHMONT COURT APT # 202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

پروگرامسازان طرفدارترمپ، به دقت تام زمان تولید پروپاگند را در اثنای آمادگی ارقام Databaseطوری بصورت ستراتیژیک به هشتگ طرفداران هیلری کلتنن جابجاساخته بودند که موفقانه وظیفهٔ خودراانجام دادند. بناءدروروانتخابات همهٔ این فعالیتهاراتوقف دادند.

مارتین موردایرکترمرکزمطالعهٔ رسانه ارتباطات وقدرت در کینگز کالج لندن به کارول کادوالادر(اولین ژورنالیستی که درسال ۲۰۱۴ دربارهٔ CAدرگاردین/آبزورر نوشت) ازگاردین گفت که کمپاین ترمپ هر روزچهل تا پنجاه هزارانواع مختلف اعلانات داشتند که بصورت دوامدارعکس العملها را مطالعه نموده خودرا به آن تطابق میدادند.این اعلانات انترنیتی آنلاین از طریق بات ها به پلتفورم رسانه اجتماعی چون فیسبوک و تویت نشر می گردید. اعلاناتی را که مردم پسندیده بودنددوباره تولیدنموده شریک می ساختندو آن عده اعلاناتیکه دوباره تولید شده بودند دوباره تویت میگردید. وازطرف گروپیکه، موضوع محبوبیت پیدا کرده اعلان خوش شان آمده بود برای آن گروپ بازو باز نشر میشد.

ازین نوع اعلانات CAاستفاده میکرد تا پروفایل مصنوعی سایکو لوجیکی آن مردم راتهیبه کنند (اشارات زیاد وبلندی کرف به اعلان معنی داشت که قدرت پیشگوئی قویترمیباشد).همچنان این معلومات را درعین زمان مطالعه میکردند تاباندند کدام پیام در کجا زیادت‌ر همهه تولید کرده است. مثلاً معلومات بدست آوردند که موضوع immigrantدرپنسلوانیاوویسکانسن داغ است، بالاتأمل سفر ترمپ ترتیب داده و اودرآنجادرباره ایمیگرانهاودیوارو غیره خطابه ایرادمی کرد که باچکچکها وشعارهائیکه خوش ترمپ میآمد بدرقه میگردید.

دراول جولای ۲۰۱۶ شین هریث ازوالستریت جورنال یک سلسله راپورهای راپخش نمود که بصورت واضح همکاری تیم ترمپ ربا hacker(مداخله گران غیرقانونی انترنت) های روسی ثابت وآشکارا میساخت. هریث، با مردی بنام پیت‌رسمیت یکی از طرفداران ترمپ مصاحبه داشت. او یکی ازفعالین GOPبود که میخواست سی هزارایمیل پاک شدهٔ serverشخصی هیلری کلتنن وزیرخارجهٔ وقت را که کاندیدریاست جمهوری هم بود بدست بیاورد. قراراظهارات سمیت او چندین هکر رامطالعاه کرد ودریافت که ازجمله دوی آنها ارتباط مستقیم باروسیه داشتند. (اکنون شناخته شده که یکی اینهاشخصی بنام Guceifer 2.0یک افسراستخبارات روسیه بود. سمیت به هریث گفت که اوبصورت منظم باجنرال مایکل فلین که درآنوقت نزدیک ترین فرد به ترمپ بود ونگهدار اسرارش شمرده میشد تماسهای مکرر داشت. فلین بعداً مشاور امنیت ملی ترمپ تقرر یافت.

شان ایللینگ مینویسد: پیام کلیدی از راپورهریث که آندریو پروکوپ همکار Voxفشردهٔ آنراشر کرده چنین است:سمیت اظهار داشت: من با مایکل فلین دربناره سخنهایی میداشتیم وبکی هم این بود که برایم میگفت:«اگر چیزی یافتی، میتوانی مرا باخبرسازی».

ایریک یارک یک متخصص امنیت کمپیوتراز اتلانتا کسی بود که برای تجسس هککر ها با سمیت همکاری داشت تادربانده که چه کسی به این ایمیل هادسترسی پیدا کرده است.....قرار اظهارات یک متخصص کمپیوتر آقای سمیت به او گفته که وی باجنرال فلین و پسرش تماسهای تلفونی داشت. متخصص کمپیوترمیگوید: من از لابلای گفتار سمیت چنین درک کردم که جنرال فلین باگروپ آقای سمیت به ظرفیت مشاور کمپاین ترمپ درامور کمپیوتری (ایمیل) هماهنگی ایجاد میکرد.

هریث، راپورهای استخباراتی دخالت هککهای روسها را مطالعه نمود. این هککرها که جهت بدست آوردن ایمیلهای هیلری کلتنن از serverشخصی او تپ وتلاش داشتند، پیدامیکردند آنرا تشریح نموده به جنرال فلین میدادند که وی بنوبهٔ خود این معلومات را بادیگر اعضای کامپاین شریک میساخت.

به تنهایی خود راپورهریث کدام ارتباط با CAقایم نمیکند. ولی در ماه اگست ۲۰۱۶ اسوشیتدپرس راپوری را نشر نمود که نقطه های ناپیوند را با هم پیوند میداد. در ضبط تصحیح شدهٔ مالی که معلومات عامه است، فلین مجبورشد که اقرار کند:«برای مدت کوتاه بایک کمپنی مباحثه جو، در تحلیل ارقام که ترمپ راکمک میکرد، رول مشورتی داشتم». این کمپنی بجز CAکدام کمپنی دیگر بوده نمی تواند؛ اینکه فلین ازین رول مشورتی با چنین کمپنی تحلیل ارقام چقدر پول نصیب شده است تا حال معلوم نیست وهم نقش مشرح فلین در کمپنی بصورت مفصل درک نشده است.

وال ستریت جورنال مینویسد: ما میدانیم که دیپارتمنت عدلی DOJو کانگرس امریکا باوردارند که کامپاین ترمپ امکان دارد روسها را درسیمای به هدف قرار دادن رای دهندگان کمک نموده باشد. جنرال فلین هم در کمپاین ترمپ مشغول بودوهم درنقش

یک سخنگوی CAبه Voxتائید کرده که کمپنی شان با روسها همکاری داشته اما کدام کار خراب نکرده اند. «چون یک کمپنی که در کمپاین انتخابات رول مهم بازی نموده، کمیتهٔ استخبارات مجلس نمایندگان از CAخواسته تا تمام معلوماتی که در تحقیقات شان مفید ثابت شود،به کمیته تقدیم دارد». کمیته گفته که از دیگر کمپنیهای که رولی داشته بودند هم عین تقاضا شده است. درآنوقت والستریت نوشت: CAنه تحت تفتیش است و نه کدام کار خراب کرده است (فراموش نباید کرد که ریاست کمیته استخبارات به تصرف جمهورینخواهان است و CAبرای ترمپ کار میکرد).

اکنون بیائیدبنگریم کمبریج انالیتیکا چه گل هارا به آب میدهد؟ اگر شما انترنیت یاهر رسانهٔ اجتماعی دیگر رامورداستعمال قرار میدهید، در جریان استفاده، شما یکمقدار زیادخردوریزه های دیجیتال ازخود باقی میگذارید. هرپوستی را که Like(می پسندید) میکنید یا هرتویتی را که باز تویت میکنید یا در یحتهای زنجیری حصه میگیرید، همه معلوماتی اند که به آسانی جمع آوری شده بعدباهدایات وتوصیه ها (معمولاً به مفاد کسی) در دسترس دیگران قرار گرفته میتواند.

قسمیکه دربالاذکریافت CAیک کمپنی است که توسط رابرت میرسر بلیونری که حامی چنل جناح راست چون Breitbart News میباشد تاسیس یافته است. این کمپنی کمبریج انا لیتیکا هرقدر معلومات وارقامی که از هر نوع کمپیوتر بدست آورده بتوانند همه را یکجائی بلغ میکنند. دیگر کمپنی های تحلیل ارقام هم وجود دارد اما CAاز بزرگترین و بارزترین انهاست.

درسال ۲۰۱۶ الکساندر نکس CEOکمپنی CAدریک سخنرانی خود به ستایل بیل گیت (مایکروسافت)و ستیف جابس(آیفون) پرده از میتودولوجی کمپنی برداشته گفت: ما یک گلیم وسیله یی طولیل کمییتی quantitativeراگسترده ایم که باکنجکاوی دراوصاف نهفته دربارهٔ شخصیت یک فرد معلومات حاصل کرده میتوانیم». اوهمچنین ادعا کرد:«اگر شما شخصیت یا personalityگروپ مردمی را که میخواهیدهدف قراردهید بفهمید (پیام تانرا) بصورت بسیار موثر بر آن گروپ کلیدی تلقین نموده میتوانید».

متأسفانه، بفکر من پاکستانیها از سالها به اینطرف در برابر مردم افغانستان و به مفاد جنگ نیابتی خود ازین میتود کار گرفته اند. طوریکه پروفایل سایکولوجیکی لیدران راترتیب داده بودند و می دانستند که چطور و چگونه بر آنها تفوق ونفوذ پیداکنند. یکی را با پول، دیگری را با دختران زیبا و مجالس عیش وعشرت در دویی و کسی راهم بچه خواندگی میدادند تا اهداف منحوس خودرابرایشان تحمیل نمایند. فکرمیکم ازین میتود بامعلومات غلط به گروپ داکتر عبدالله نیازستفاده کرده اند. علاوهٔ اشرف غنی یک لایست امریکائی را که برای اعلانات انتخابات خودیه پول گزاف که شنیده ام سی هزاردالرمাহانه بود، بنام جیمز کارویل که خوددموکرات و خانمش جمهورینخواه بود وهنوز هم ایندو زن وشوهراند – (انترنت)، استخدام کرده بود. متأسفانه دولت مرکزی که پروفایل شخصیت شان هم به انگلیس وامریکا معلوم است، فکرنمیکیم درتصمیم گیری های خود آزاد باشند. امریکا و انگلیس برای منفعت ملی خود ازفرسخ هادور درافغانستان میجنگند، ولی درافغانستان پالیسی منفعت افغانستانی وجود ندارد. این لیدران که خود دزدان کمک های خارجی اندچون پشتون (افغان) اند فقط برای پشتونسم و نجات زبان پشتوازمعدومیت تب وتلاش دارندو حتی نمیخواهند که ولایتهای آباد شده چون بلخ آرام و مترقی بماند. به استفاده ازسایکولوجی مردم فقیر، بینوا، بیسواد، تلقین پذیرچنان عملیتهای پهلوی انتحاریون برایشان خلق کرده اند که مردم بیچاره مخصوصاً تاجیکها وغیرپشتون هاراه خود راگم کرده سر سام اند که چه باید کرد. پروپاگندها به اندازهٔ موثر است که به گپ هیچکس گوش نمیدهندو از خرجهالت وستیزه گری فرود نمیآند – دستگیر». بعد ازین ایدیتوریال مختصر، اکنون برمیگردیم به دوام راپور والستریت جورنال:

با ذکر(پیام تان) مقصد نکس این بود: هرکس به کمپنی اوپول بدهد، با چنین قدرت برای خدمت درانتخابات شان حاضراند. در وقت انتخابات ۲۰۱۶ دو نفر کاندیدریاست جمهوری ریپبلکن ها تید کروز(فعالُسناتور) و بن کارسن (فعالُ وزیرانکشاف شهر و مساکن یا HUD؛ دراثر معلومات جدید درانترنیت دونفر از مامورین عالیرتبهٔ HUD با کمبریج انالیکتیکا همکاری داشته که در سوانح خود نشان نداده اند – انترنت).

علاؤا CAدرپروگرام برآمدن بریتانیا ازبازار مشترک اروپا EU که به Brexitشهرت داردنقش بارزی بازی کرد. با میتود پروفایل سایکولوجی یکنعدا زیاد رای دهندگان رابطرفداری از خروج EU تلقین نموده اند. همهٔ معلومات درباره رای دهندگان ریفرندم ا (معدن معلومات) آنلاین استخراج شده بود. یعنی این شیطانک، کمبریج انالیتیکا، مردمان هوشیار انگلیس را بطرفداری



پروفسرداکتر عبدالواسع لطیفی
الکسندریه ، ورجینیا

عنوان کتاب: تراژیدی کابل بانک **(به زبان انگلیسی) نویسنده ومؤلف: عبدالقدیر فطرت** **(ماستردگری علمی)**
فردای روشن ما در کجاست؟ همه درین زمزمه اند که فردا ، فردا ،

ومن پیوسته می گویم: تا ظلمت شب اینجاست، فردای روشن ما ناپیداست... (شاعرآزادیخواه کوریایی)
خوانندهٔ نهایت عزیزو گرانقدر، من این چندمصراع یک شاعر معاصر کوریایی را که ازمتن فرانسوی آن ترجمه وتلخیص کرده ام، به خاطری درآغاز بررسی کتاب بس ارزشمند و روشنگر دوست عزیز قدیرجان فطرت یادآورشدم که این شخصیت بلنداندیش حقوقدان و کارمند فرزانهٔ تحقیقات رویدادها و معاملات اصولی بانکی ملی و بین المللی، بادرایت وشجاعت بینظیر درعمق تاریکی های اختلاس و دسایس وخویشخوریها ودزدان چراغ بدست وغاصبین حقوق مردم مظلوم افغانستان، خاصتا دربررسی تراژیدی کابل بانک، متهورانه قدم گذاشته وازدستبردهای بس هنگفت پشت پرده، پرده برداشته ودرکتاب تازه بچاپ رسیدهٔ خود به زبان انگلیسی روان وبا ذکراسناد وچشم‌دیده‌های واقعی، نوشته که در ۴۹۲ صفحه درایالات متحدهٔ امریکاپچاپ شده است.

فطرت عزیز کنابش را دریک محفل باشکوهی که درافغان اکادمی به استقبالش دایرشد، برایم تحفهٔ ماندگار داد. امیدوارم این اثر مستند او درسی باشد برای کسانیکه سررشتهٔ کارهای حساس و بزرگ را در دست دارند ، باکرامت انسانی اجراءات صادقانهٔ رادر پیش گیرند تا بالاخر درافق مکدرفعلی افغانستان، یک «فردای روشن «طلیعه گردد .

دریکی اذصفحات نهایی کتاب چندسطری راجع به معرفی مؤلف تذکریفاته که به شماترجمه می کنم: «عبدالقدیرفطرت منحيث یک مشاور اقتصاددان درنهاد صندوق وجهی وسرمایهٔ پولی بین المللی و هم به حیث مشاورمدیریت اجرائیه بانک بین المللی اجرای وظیفه نموده است، و همچنان سمت معاون اول رئیس وبعد ریاست بانک مرکزی افغانستان را، که یک موسسه مدرن بانکی می باشد، بین سالیان۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ به عهده داشت، وی نخستین مرحلهٔ بحران کابل بانک رامورد بررسی قراردادکه درواقعیت بزرگترین وگسترده ترین اقتضاح مالی درتاریخ افغانستان بشمارمی آید .»

من درجلسه ومحفل افغان اکادمی که جناب فطرت قسمتی از محتویات عمدهٔ کتاب خودرا تشریح میکرد، حاضربودم ومی شنیدم که چطورباکمال بلاغت کلام وصدق وصفای نیت به سئوالات حاضرین جوابهای قناعت بخش میداد. سئوال من این بودکه عکس العمل وقضاوت نهادهای بین المللی در رأس آنهاامریکا چطوربوده؟ پاسخ دادکه شیوهٔ مثبت وواقعینانه داشتند. اینک قسمت عمدهٔ ازپیشگفتار مؤلف فرزانه جناب فطرت رادر قبال حقایق مکتوم ودردناک یک بخش اجراءات ضررناک حکومت وقت ووابستگاه استفاده جوی آن که درهمه صفحات

کتاب با تفصیل تشریح شده، به شما ترجمه و ارائه می دهم : «سقوط کابل بانک لطمهٔ بزرگی در رونداقتصاد افغانستان واردکرد. طوریکه بازجویی وتحقیق عامه درخصوص کابل بانک بر ملا می سازد(ناکامی و متعاقبا افلاس وخروج ضمانتی آن که تقریبا پنج تا شش فیصد پیدوارعمومی رادربرمیگیرد، کابل بانک رادر قطار بزرگترین وپهناورترین شکست وناکامی بانکی قرارمیدهد. بحرانی که کابل بانک رابه مرحلهٔ سقوط کشانیددرواقعیت یک تراژیدی وبیک فاجعهٔ بسی دردناک، زبان آور و زجرناکی میباشد که اقتصاد افغانستان رادرهمهٔ ابعادآن ضربه زده، ولی تراژیدی اسف انگیززمانی بیشتر گسترش یافت وبرملا گردیدکه مرتکبی حقیقی جرم کابل بانک با مصرف ملیونها دالر دزدی ودستبرد شان درراه تطمیع مجریان قانون مربوطه و هواخواهان شان درمراتب بلندپایهٔ قدرت سیاسی رژیم کابل دست بلندداشتند. درنتیجه مامورین صادق وییگناه بانک مرکزی بشمول خودم (نویسندهٔ این کتاب) قربانی بیعدالتی شدند وضربه های دردآور روحی، مالی واحساس انسانی را

متحمل شدند. بعضی ازین مامورین ماهها درزندان بسربردندومورد تحقیرقضات پله بین، وکلای دعوا، پلیس ویک گروه مافیایی پروپاگندچی های نهاد های خبری قرارگرفتند . خوانندهٔ عزیز، این کتاب حاوی قصه هاورویدادهای دردناکیست که قبل، در جریان ومابعد بحران وعکس العملها وفعالتهای من و وزیرمالیه زاخیلوال وهمکاران من دربانک مرکزی صورت گرفته است. درعین حال تفکر واجراءات مرا در ورای قضا یا احتوا می کند. در محتوای این کتاب من سعی کرده ام تاجهرهٔ حقیقی این جریان راآشکارسازم، والبنه به کمک حافظهٔ خدادادمن، یاداشتهای من، دیدوبازدیدهاویرخوردمن بارتیس وسایرسهمداران مصاحبه با مرتکبین، مکاتیب ویادداشتهای رسمی، راپورهای رسمی وانعکاس مطبوعاتی وسایرمنابع مربوطه، درین معاملهٔ (حقیقت در برابرباطل) من کوشیده ام تاهیچ چیزی جرحقیقت را ابراز نکنم !

بالاخر این خوانندگان کتاب هستندکه نزدخود قضاوت کنندکه چه کسی درسمت راست وحقیقت این رویداد درین گزارش قرار داشته است. آن دسته مامورین صادق بانک مرکزی که درپشتیبانی ازحقیقت ازهیچگونه تلاش وفداکاری دربرابر دست اندرکاران حریص وظالم دریغ نکرده اند، قابل قدر و ستایش هستند. ازطرف دیگرمحتویات وگزارشات این کتاب یک درس بزرگ وماندگاری است برای اجراءات آینده افغانستان وهمکاران بین المللی خاصتا درآن موقعی که بااختلاس وفساد اداری ومداخلات ارکان بلندپایهٔ سیاسی روبرو میشوند.»

محترم داکترنظیف شهرانی سابق پروفیسرآنروپولوژی ورئيس انستیتوت مطالعات آسیای مرکزی وشرق اوسط دریونیورستی بلومنگتن اندیانا، درتقریبطش چنین نوشته: «اندکس موسسهٔ شفافیت بین المللی درطرف چندین سال، حکومت کرزی رادرافغانستان در قطار فاسدترین دستگاه قلمدادکرده ، ژورنالیستهاوخبرگزاربهای ملی وبین المللی باشواهد مبرهنی چنین رسوایی را تأییدکرده اند. این کتاب که باگفتار شجیعانه توسط رئیس سابق بانک مرکزی عبدالقدیر فطرت نگاشته شده، نه تنهافساد وناکامی کابل بانک بلکه لطمه زدن به مساعی طولانی چندین دههٔ نهادهای بین المللی را که برای ثبات افغانستان بعداز رژیم طالبان تلاش نمودند، نیزبرملا ساخته است. همچنان این کتاب یک روشنی وتوضیحات گستردهٔ لازمی رابرای جلوگیری از تراژیدی آینده قابل مهارکردن در سرنوشت مردم افغانستان رانیز ارائه داده است. »

بهرحال، مؤلف شجاع وحق طلب وعدالت پسند محترم عبدالقدیر فطرت قرار اظهارات خودش درآغازکتاب زیرعنوان (حرکت و سفربه سوی بانک مرکزی افغانستان)، محل زادگاه خودراکه درماه می۱۹۶۳ بدنیآآمده، یکی از قریه های دوردست بدخشان قلمداد می کند. اوبامشکلات زیادوباتشویق پدردهحقان وروشنفکرش نخست در یک مکتب ابتدایی چندکیلومتر دورتر از زاد گاهش، که پیاده یا با سواری اسپ بدانجامیرسید، شامل شدودرعین زمان به چراندن بزغال ه‌ا، بالوالدین خودکمک میکرد. اوپس ازسپری کردن موفقانهٔ مکتب متوسط دربدخشان، یادآورمیشودکه یک گروه نمایندگان مکتب عالی حربی (حربی شو ونزی) برای انتخاب متعلمین بااستعداد وارد بدخشان گردیدوعبدالقدیر برای شمول درمکتب مذکوردرجملهٔ پنج شاگردممتاز دیگر روانهٔ کابل گردید، امامدتی نگذشت که کودتا هاوانقلابات دگرگون کننده درافغانستان آغازیافت. زندگی جوانان دچارخطرات مهلک گردید، لذا باجمعی اذانشجویان دانشگاه کابل، شهررابطرف شمال کشور وقنذر ترک نمود. همین که از رزمندگی، آزادیخواهی ومقاومت هاوعدالت پسندی احمدشاه مسعود اطلاع یافت، خودرابه وادی پنجشیررسانیدوباقوماندان مسعود نظربه استعدادی که ازخودنشان داد، همکارنزدیک شده ودرماه می۱۹۸۲ شاهدحملات ویرانگر وگستردهٔ زمینی وهوایی روسها درمنطقه بود. باری هم دراثرمرمی بمبارانهای هلیکوپترهای قشون سرخ جراحات برداشت. عبدالقدیرفطرت باوجودمشکلات تعقیب تحصیلاتش، درین دورهٔ پرمعضله به فراگرفتن انگلیسی وتاجایی عربی پرداخت. متعاقبا تحصیلات عالی رانیزفرا گرفت ودر۱۹۸۵ دریونیورستی اسلامی اسلام آباد شامل فاکولتهٔ اقتصادشد و در۱۹۸۹ درجهٔ تحصیلی (بچلرآف ساینس) راحاصل نمود.

فطرت پس ازسپری نمودن موفقانهٔ امتحان توفل، سکالرشپ (ویبر) را جهت ادامهٔ تحصیل عالی درایالات متحدهٔ امریکا بدست آورد. درسال ۱۹۹۰ جهت ادامهٔ تحصیلات عالی وتخصصی وارد یونیورستی اوماها درایالت نبراسکا شد وباسپری کردن تست ها و امتحانات موفقانه از اوماها روانهٔ دایتان ایالت اوهایوگردید و تحصیلات خودرابه منظورگرفتن درجهٔ ماستری در پروگرام رشتهٔ

شادروان پروفیسر عبدالحکیم ضیایی

سراغ هستی

نا امیدی کرد پرتابم به پای نیستی

ماند یکدم از تپش هرعضواز اعضای من

با وجود آن به علم اجتماع و تربیت

شد زمانی فکر علمی نشئهٔ گیرای من

لیک مشکل حل نشد از کسب علم وفلسفه

بل نمودایندو فزونترلغزش واغوی من

نی شدازتحلیل وازترکیب کاری ساخته

نی یقین ازشک نمایان شد دراحصای من

نی شد از الواح استقراء حقیقت جلوه گر

ماند دایم پشت در، بیچاره استقرای من

سوسیال واقتصاد تطبیقی آماده ساخت.
قراراطهارات بعدی دوست فرزانه وگرامی ام مؤلف عالم وفرزانهٔ کتاب، قدیرجان فطرت درفکر بازگشت به وطن عزیزوخدمت به مردم بوده است. اینهم قسمتی ازتقریظ جناب خواجه بشیراحمدانصاری، دپلومات و نویسندهٔ چیره دست، که طورفشرده به شماترجمه میکنم: « تراژیدی کابل بانک قصهٔ واقعی دست اول یک روندداخلی افغانستان میباشدکه یک مرد صادق و شجاع چون عبدالقدیر فطرت باجرئت کامل دربرابرفساد بلندپایگان حکومت ومتعلقین رئیس جمهوروقت

کرزی ایستادگی کرده است. مؤلف درمحضر عام صدای خودرابلند کرده است، اودرین راستا مقام خود(منحيث رئیس بانک مرکزی) وامنیت خود رابیخطر مواجه ساخته است.

این رویداد درین کتاب قابل مطالعه وبخشش همگانی آن میباشد، که سقوط دراماتیک کابل بانک رابا رویت دادن حقایق ومداخلهٔ عناصری که مانع فعالیت محققین واقعین بانک مرکزی ونهادهای بین المللی درمسیر وتلاش اثبات یک تقلب گسترده شده اند، آشکار ساخته است.»

خوانندگان عزیز، حال نظربه گنجایش محدودصفحات جریدهٔ وزین امید، که بعدتر محتویات آن قسما درسایت پرمطلب بانو ماریا دارو و سایت خراسان زمین نیزبه نشرخواهد رسید، معرفی مختصر چنین کتاب ارزشمند و روشنگر رابه ذکر تنها عناوین عمدهٔ آن، و به آرزوی صحت وسعادت و موفقیت های بیشترو چشمگیر دوست متهور وفرزانه ام عبدالقدیرفطرت اکتفا می کنم :

رفورم وبازسازی بانک مرکزی افغانستان، – سقوط بانک انکشافی افغانستان، – بحران داخلی قرضه درپشتنی بانک، – بحران کابل بانک در دورنمای برطرفی متصدی CEOکابل بانک، – جریان کارهای کابل بانک، پهنای ضایعات وجهی کابل بانک، افغانستان ده هاملیون دالرا همان وقتی که مذاکره با INFصندوق وجهی بین المللی به سقوط مواجه شد، ازدست داد، بحران گیرنده های پولی، قهر وعصبانیت کرزی، استعفا ازبانک مرکزی وفرار از افغانستان، آشکارشدن حقایق دربارهٔ فساد دروابستگان کرزی، نتیجه گیری وکرونولوژی وقایع .

درآخرین برخ این معرفی مختصرکتاب روشنگر وپرده بردار ازروی حقایق تلخ جریانات اسف انگیز ودستبردهای گستردهٔ ثروت ملی ودارایی مردم افغانستان، اینک سرودهٔ کامل شاعرکوریایی راکه چندمصراع آنرا در آغازاین مقال نوشتم، وازمتن فرانسوی آن ترجمه و ادابت نموده ام، منحيث یک تحفهٔ پراحساس ادبی به دوست ارجنمند جناب فطرت اهدا میکنم :

فردای روشن ما در کجاست؟!

همه باهم درین زمزمه اند که فردا، فردا ! ومن می پرسم پیهم که تازلمت شب اینجاست، فردای روش ما ناپیداست!
میگویند درشفق داغ افقهای دور، در طلوع آفتاب، درگسترش روشنی ونور، ولی سالهاست درانتظارصبح این شب یلدا هستم !

همه جادر جستجوی آن فرخنده فردا هستم :

فردای پیوندهای محکم وقیام همگان، نیروبخش مودت وپیمان راستین من وتو

برهم زن صف تاریک دشمنان وبیگانگان،

آنان که چون مار، خانه کرده درآستین من وتو...

کجاست فردایی که درآن اهریمن جنگ نباشد؟!

زمین وطن جولانگهٔ دزدان ناموس ونگ نباشد ؟!

من وتو تاپای چنین دشمنان را ازحریم میهن دور نسازیم،

تاچشم عدو را باتیر همرنگی ووحدت کور نسازیم،

راه صلح وآزادی وطلیعهٔ نوروز ما، پیهم ناپیدا خواهد بود،

بسی فرداهای دیگر، چون امروزما، بی فردا خواهد بود ! /

انجنیر عبدالصبور فروزان استاد در یونیورسیتی نیوجرسی

تقابل کی جی بی با سی آی ای در افغانستان
دردورهٔ سلطنت محمدظاهرشاه
(ادامهٔ بحث تلویزیون ژوندون- مظهر تعصب زبانی قومگرایی درافغانستان)
ایالات متحدهٔ امریکا باتشویش فراوان ازعمق نفوذ نظامی اتحاد شوروی در افغانستان، برنامهٔ وسیعی رابرای ازبین بردن این نفوذ یا حداقل کاهش آن روی دست گرفت . روی این ملحوظ دربین سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۷۸ درحدودیکهزار افسرنظامی ازافغانستان به ایالات متحده فرستاده شدودرتحت پروگرام خاصی که برای افغانستان تخصیص داده شده بود، درموسسهٔ بین المللی تعلیمات نظامی امریکا تربیه وبه افغانستان برگستانده شدند. بعضی ازین افسران درمقامات بلندنظامی قرارگرفته بودند. امااین فعالیت امریکا به مقایسه فعالیت و نفوذ شوروی دراردوی کشورخیلی هاناچیزبود، چنانکه تاسال۱۹۷۸ بیش ازده هزارافسرنظامی بعدازتکمیل تعلیمات نظامی وایدیولوژیک درشوروی، درسراسراردوی افغانستان جایجاشده بودند.

مقامات امریکاقوتی درک کردندکه ازراه نظامی کاری کرده نمی تواند، درصددشدند تاوابستگی نظامی افغانستان رابه شوروی ازطریق اقتصادی، تعلیم وتربیه، اعمارشاهراهها وشهرها درافغانستان تضعیف نمایند، ودررهنمایی این سیاست افغانستان به یکی ازکشور هایی تبدیل شدکه میزان همکاریهای ادارهٔ پيسکورپ نسبت به همهٔ جهان درآن بیشتربود وافغانستان محل نشست و برخاست اجنتهای سی آی ای و کی جی بی شده بود. اینهاهمه درلباس معلم، انجنیر، داکتر، نرس، همکاران تخنیککی فعالیت مینمودند. بعضاواقع میشدکه درپروژهٔ بانجنیر یامتخصص خارجی (روسی یا امریکایی) روبرومی شدیم که اصلا ازانجنیری وساینس چیزی نمی دانست وبرای ماموریت دیگری درآن لباس گماشته شده بود.

جای تعجب است که ذهنیت عامه رادرکشورچنان عیارساخته بودند که کمترکسی فکرمیکردآن شخص انجنیریا متخصص نه بلکه یک اجنت سازمان جاسوسی است. بخاطردارم زمانیکه پروژهٔ بند سلما را رویدست گرفته بودند، مرحوم مغفور داکترعبدالستار حفیظی که ازاستادان برجستهٔ دانشگاه کابل بود، ومن افتخار شاگردی شانرا داشتم، نیزدرین پروژه بحیث جیالوجیست استخدام شده بود. درآن دفتریک متخصص خارجی هم بود، طوریکه عادت مردم ماست فکر میکنندکه یک متخصص خارجی همه چیزاست. این متخصص نقشهٔ جیالوجی بند راترتیب کرده بودوبه استادحفیظی دادکه درساحه آنرا به معرض عمل قراردهد. استاد حفیظی پیش ازآنکه به ساحه برود، خواست که نقشه را ازنظربگذراند. اومتوجه میشدکه این آقای متخصص نقشه راطوری تهیه کرده که پراز اغلاط است واگر بر اساس آن بندساخته میشد، بندیش ازچندماهی دوام نمیکرد، تخریب میشد وساحات زیادی رازیرسیلاب می گرفت وصدهاهموطن بیبچارهٔ ماکشته وبی خانمان میشدند. استاد حفیظی سخت عصبی شده بود، به نزدمتخصص رفت وازاو پرسیدکه چرااین اغلاط را مرتکب شده، متخصص وقتی دیدکه ازمسلک دوراست وجوابی ندارد، رنگش سفیدپرید وبه لرزه افتاد. استاد اورا ازدفترکشید وراساً نزدوزیرآب وبرق وقت رفت. وقتی دانستندکه مسأله به اینجارسیده، همانروز متخصص مذکوررا تبدیل کردند تاماهیتش افشا نشود !

انجنیر رضائبات یک متخصص شوروی راکه اصلا صاحبمنصب کی جی بی بود، ولی درلباس جیولوجست ارسال شده بود، نسبت ندانستن مسایل مسلکی درسروی معادن وجیولوجی ازدفتر کشید. یک جاسوس کی جی بی که درلباس سرمیخانیک درساحهٔ برمه کاریهای نفت وگاز سریل شیرغان روان شده بود، بعدازینکه درائر اشتباه (نادانی) اش حادثهٔ درنقطهٔ برمه کاری اتفاق افتاد وچندتن از کارگران شدیداً زخمی ونقطهٔ برمه کاری صدمه دید، خود اقرارکرد که اهل مسلک نبوده وازتخنیک برمه کاری چیزی نمیداند! این نوع اتفاقات درکنج وکنارکشورزیادواقع میشد، اماشرایط طوری بودکه کسی صدای خودراکشیده نمی توانست، آنهایی که صدای خودرا می کشیدند برای شان سخت قیمت تمام می شد.

بطورمجموع دیده میشدکه نفوذشوروی بیشتردرصفحات شمال کشورمتمرکزبود، وبیشترآنهادرآن نواحی فعالیت مینمودند، اماکی جی بی توانسته بود تااعدادوسیع صاحب منصبان پشتون راازمناطق جنوب وشرقی کشورجلب وجذب نماید. حزب خلق که تره کی آنرارهبری میکرد، تقریبانودفیصده اعضای آنرا پشتونهاتشکیل میداد. ایالات متحده بیشتردرصدآن شدتائفوذ خود رادرصفحات جنوب ودیگرمناطق پشتون نشین متمرکزسازد، وهمکاری وهمدستی روحانیون ارتجاعی چون مجددی هاوگیلانی هارابخود جلب کند. اجنت های سی آی ای تحت پوشش پيسکورپ ها، پروگرام همکاری اقتصادی امریکا- یو اس اید- حتی درداخل کمپنی موريس کندسن بحیث معلم، نرس، داکتر، انجنیر ورضاکاران دراکثرنقاط کشورفعالیت میکردندو برای جلب توجهٔ مردم و اغفال اذهان عامه احداث سرک کابل قندهار

و پروژهٔ وادی هیرمندرا روی دست گرفتند، و شهرلشکرگاه و مارجه رابه ترتیبی آراستندکه نمایشی ازنزدگی امریکایی نماید. این آرایش به سطحی بودکه حتی شهرلشکرگاه و مارجه لقب امریکای کوچک بخودگرفته بودند !

روسهاخیلی هاقبل ازامریکاییها به احداث مکروریان هادرشهرکابل اقدام نموده بودندکه طرززندگی روسی رابرای مردم مانمایش دهند، که درین کار خود روسهانسبت به امریکاییها خیلی پیشقدم بودند، چه مکرروویانهادرشهر کابل ساخته شدکه مردم به زندگی شهری عادت داشتندوجلب وجذب آن خیلی زیاد بود، وبرای بدست آوردن یک اپارتمان مکروریان سرهامی شکست وواسطه هایکاربود. در حالیکه امریکای کوچک(شهرک های لشکرگاه و مارجه) درجایی احداث شده بودکه مردم درآنجا بیشتربه زندگی بادیه نشینی و قبیلولی عادت داشتند، لذا بزودی از رونق افتید.

جالب اینکه دریک مقطع زمان وقتی امریکا درک کردکه در تقابل باروس بسرداشتن نفوذ درافغانستان چانس موفقیّت کمتردارد، درصددشدتاباروسها از راه همکاری پیش برود. امریکاییها فکرمی کردندکه روس به اندازهٔ کافی در آنجا نفوذ نموده واقتصادآن کشور بدست ایشان است وهروقتی که ماسکو بخواهد میتواند آن کشورراسقوط بدهد ودستگاه نظامی واقتصادی آنرافلج سازد، پس ضرورت به کاری واقدامی ازجانب امریکنیست که باعث تحریک روسهاگردد. امریکاییها فکرمیکردندکه به این ترتیب ازمصرف شدن یک مقدار پول مالیه دهنگان امریکا جلوگیری میشود.

درعین زمان حضورامریکا درجامعهٔ افغانستان مشهودمیباشد وهم پلانهای خود رازیر پوشش برنامه های تعلیم وتربیه پیش میبرند. روسهابه این پیشنهاد امریکا لیبک گفتند وازهمکاری وشرکت امریکا درپروژه هایی که روسها درافغانستان رویدست گرفته بودند، حسن استقبال نمودند، ودراکثرپروژه ها هرود ابرقدرت همکاری نمودندکه نمونهٔ آن اعمارمیدان هوایی بین المللی کابل بودکه روس مصارف ساختمانی آنرابعدهه گرفت وامریکامصارف تاسیس شبکهٔ مخابراتی آنرامتقبل شد. به همین ترتیب سیلوی کابل راروس اعمارکرد وتهیه وتدارک گندم آنرا امریکابعدهه گرفت. روسیه درظاهراین اقدامات امریکاتحت پوشش (دیسانت)، ازبین بردن دو قطبی بودن جهان، ختم جنگ سرد وازبین رفتن تبلیغات خصمانه تقدیر نمود، امادرخفا افسران نظامی افغانستان رادرماسکو تعلیم وتربیهٔ نظامی وایدلوژیک میدادند، شستشوی مغزی مینمودند و بسوی هدف استقراریک دولت کمونیستی درین کشوربه پیش می رفتند. جالب اینکه روسهاهمه مصارفی راکه درافغانستان میکردند آنرا دوباره چندین برابر ازمنابع طبیعی کشور (گازطبیعی) می کشیدند، اماامریکا بایدآنراازکیسهٔ مالیه دهندگان خودمی پرداخت، لذا هیچ امکانی وجودنداشت که امریکادرین معامله باروس همتایی نماید و موفقیّت همیشه نصیب روسها بود.

امریکادرنظرداشت تادرتحت برنامهٔ تعلیم وتربیهٔ که برای افغانستان طرح کرده بود، طرزدیدونحوهٔ زندگی امریکارادرمیان اطفال و جوانان کشورترویج نمایدکه درواقع یک شستشوی مغزی درمعارف کشوربود. برای برآوردن این هدف، عدهٔ ازیونیورستیهای امریکا ازجمله دانشگاههای نبراسکا، کولمبیا، اندیانا،وايومنگ، ویکانسن جنوبی موظف شده بودندتاسیستم تعلیم وتربیهٔ افغانستان را ازسطح ابتدایی تاسطوح دانشگاه تغییربدهند. روسهاهم درزمانیکه در افغانستان تسلط یافتند، ازین تکتیک استفاده کردند، پرورشگاه وطن و لیسهٔ انقلاب راساختند تانسلی راتربیه نمایندکه درآینده با آنها کدام مشکلی نداشته باشند!

ایالات متحده درپهلوی این فعالیتها برنامهٔ هنری کیسنجر رانیزدر افغانستان موردتطبیق قرارداد، وآن طوری بودکه کیسنجربه این نتیجه رسیده بودکه برای تربیهٔ کدرهای کاری بایدازمیان مردم کشورهای جهان سوم که به شوروی گرایش داشتند، مشتی ازجوانان راتحت پروگرامهای مختلفه تربیتی جمع نمودوآنها رابرای آیندهٔ آن کشورهاتربیت کرد تاسرانجام ایشان امور مملکتی رابدست گیرند، وبرای این منظور پروگرامهای AFS راتوسعه دادو دانشگاه امریکایی رادر بیروت برای این هدف تاسیس وتمویل نمودند. قرار گزارش های موجود بیش ازدوهزارمتعلم وآموزگار ازافغانستان برای آموزش وتعلیم وتربیه به ایالات متحده فرستاده شد. ازجملهٔ فرستاده شدگان عدهٔ که موردعلاقه بودندانتخاب میشدندوبعدازبازگشت ازپروگرام های کوتاه مدت AFSایشان دوباره به امریکافرستاده میشدند وتربیهٔ آن محصلین افغانستانی راکه انتخاب میشدند، دردانشگاه کولمبیا تهیه وتدارک نموده بودند.

دردانشگاه کولمبیا اتحادیه یی برای محصلین هرکشورعقب مانده وجهان سوم که گرایش به شوروی داشتند، ازجمله افغانستان، ساخته شده بودکه مصارف پولی این اتحادیه هاازطرف سی آی ای تمویل میشد. رئیس اتحادیهٔ محصلین افغانستان درابتدا حفیظ الله امین وبعدا زلمی خلیلزادبود. کسانیکه به این پروگرامهاانتخاب میشدند، آنهایی بودندکه طرفدارسرسخت نفوذاایالات متحده درافغانستان بودند.

جالب اینست که دربرنامه های تربیتی که برای افغانستان تخصیص داده شده بود، چه درپروگرامهایی که ازطرف شوروی تحت نظرکی جی بی وچه درپروگرامهایی که ازطرف امریکاتحت نظر سی آی ای طرح میشد، اکثراً پشتون بچه هاانتخاب میشدند و تحت تعلیم وتربیه قرارمیگرفتند. مثلاکسانیکه توسط کی جی بی آرایش شده بودندمیتوان از اسلم وطنجار، پاچاگل وفادار، شیرجان مزدوریار، سیدمحمدگلابزوی ودیگران نام برد، وآنهایکه در چوکات سی آی ای تربیت شدند ازجمله میتوان ازنعمت الله پژواک، انورالحق احدی، حفیظ الله امین خروتی، زلمی خلیلزاد، اشرف غنی احمدزی وغیره نام بردکه همه پشتون بچه هابودند.

جالب اینست که هردوی این سازمانهادربالای پشتون بچه ها سرمایه گذاری میکردند، وازیجه های تاجیک، اوزبک وهزاره انتخاب نمی کردندواز سرمایه گذاری برآنهاهراس داشتند. قابل یا آوریست که تحت این برنامه های تعلیمی وتریبوی عدهٔ از پسر بچه هااز اقوام دیگر کشورهم به امریکااعزام شدند. جای تعجیست که اکثرآن پسربچه هایی که برای اهداف پروگرام هنری کیسنجر انتخاب نشده بودند به تحصیل رشته های ساینس وانداژهٔ کم ایشان به تحصیل رشته های علوم اجتماعی گماشته شده بودند، ولی پسر بچه هاییکه به منظورخاص انتخاب گردیده بودند، به تحصیل رشته های سیاسی، انتروپولوجی ودیگررشته هاییکه به سیاست ارتباط میگرفت، گماشته شدند.

درچنین حال واحوالی که افغانستان درکشمکش میان دو سازمان بزرگ جاسوسی جهان قرارگرفته بود، سفیرشوروی در کابل آقای سرگی پتروبیچه کیکتیف که صاحب نظرکی جی بی درامور شرق میانه بود، همه دساتیر ماسکو وهدایات حزب کمونیست شوروی رابه اعضای خلق وپرچم میرساند وارتباط تنگاتنگ ورفت وآمدهای مخفی باسردارمحمد داؤود داشت، واین دوچندین بار بطورمخفیانه باهمدیگر دیدووادیدهانموده بودند. موصوف از وفاداری سرداربه آرمانهای شوروی درافغانستان وارتباط دوستانه وصادقانه او بابزرگان حزب خلق وپرچم برای ماسکو اطمینان داده بود. بدین ترتیب سردارداؤود برای روسها وروسهابرای داؤود روزنهٔ امید وتکیه گاه مستحکمی بود وروسها ازین سرمایه گذاری خودخیلی خوشنود بودند.

شوروی بامکانات دست داشته تلاش میکردتا سردار داؤود را ازگزند حوادث حمایه نمایندتا ضرری به او نرسد، یالینکه خاندان شاه یادولت روی بهانهٔ اورا گرفتار ومحبوس ننماید، یا از بین نبرد. به همین دلیل بودکه برای او هدایت داده شدکه ازمست صدارت استعفاکند وگوشه نشینی وعزلت اختیار نماید، تانامش ازرسربانهادور شودوجلب توجه نکنند. زیراروس میدانست که اگر به او اتفاقی رخ دهد یاکشته شود، پلانهای آنها برهم خورده و پروسهٔ کمونیست سازی افغانستان برای دهها سال دیگربه عقب می افتد.

شوروی برای اینکه ازپروسهٔ هسته گذاری کمونیسم وموفقیّت کی جی بی درین راستامطمئن شود، کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی درمسکو جلسهٔ خاصی دایرکرد وفقط مسأله افغانستان راتحت بحث ومدافه قرارداد. در آن جلسه برای Boris Ponomarev کهعضو کمیتهٔ مرکزی ورئیس روابط خارجی حزب بود، هدایت دادتابه شکلی ازاشکال نورمحمدتره کی راکه تازه منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق شده بود، به ماسکودعوت نمایدوهدایات لازمه شخصابرایش داده شود. Boris Ponomarevبه تره کی هدایت داد تاسفری تحت پوشش دعوت نویسندگان شوروی وجامعهٔ دوستی افغان- شوروی به ماسکوکند. این سفررا کی جی بی طوری ماهرانه تهیه کردکه درکابل همهٔ مردم، مقامات دولتی وحتی اعضای بلندپایهٔ حزب دموکراتیک خلق به این باوربودندکه گویاواقعا آقای نورمحمدتره کی بحیث مهمان اتحادیهٔ نویسندگان شوروی به ماسکومسافرت می نماید. درین سفرکه چندین روز رادربرگرفت، بوریس پونیماروف برای تره کی تمام هدایات لازمه داده برایش گوشزد کردکه بایدطوری حرکت صورت گیردکه تنها خودتره کی و ببرک کارمل سرزبانها باشند، وسایراعضای بلندپایهٔ حزب بایدطوری عمل کنندکه کسی ایشان را نشاندتاگزندی به آنها نرسد.

یکی ازاعضای کی جی بی بنام والس میتروخین که ازکی جی بی قطع علاقه کرده به غرب پناهنده شد، میگویددرین ملاقات پونیماروف به تره کی نشان دادکه چطوربایدحزب خلق راکه تازه ساخته شده بود، رهبری نماید ودربالای نشریهٔ خلق که اورگان نشراتی حزب بودخیلیها تاکیدکرد. خوداوستراتژی معلومی به حزب خلق ساخت ویک سلسله قوانین ومقرراتی بوجود آوردکه مطابق آن همکاریهای پولی ومالی کی جی بی رابه (دنباله درص پنجم)

مشتاق احمد کریم نوری

فلشنگ ، نیویارک

سوم می، روز جهانی مطبوعات یا روز آزادی قلم و کلام

درحالیکه فرارسیدن روزجهانی قلم وکلام رابه همه دست اندر کاران و دوستداران مطبوعات صمیمانه ومخلصانه مبارکبادمی گویم، شایان یادآوری میدانم که صاحب این قلم به مثابهٔ یک مطبوعاتی سابقه دار، همواره از روز هسته گذاری بین المللی مطبوعات ووسایل ارتباط جمعی ونقش ژورنالیسم درسیرتکامل جامعه ونوع چگونگی کار، درسانه های گروهی مطالب زیادی نوشته ام، ودر کنفرانسها ومجالسی اشتراک نموده وهکذامصاحبه ها هم درسانه های صوتی و صورتی داشته ام. وانشاءالله دربرنامهٔ سه ساعته در دوازدهم ماه می دریچهٔ سخن، که ازطریق شبکهٔ جهانی پیام افغان بخیرنشرمیکردد، راجع به سیرژورنالیسم واهمیت مطبوعات وامنیت خبرنگاران صحبت ها خواهم داشت. این برنامه ازشاعت یک تاچهاربعدازظهر(بوقت غرب امریکا) پخش خواهدشد.

بنده این مطلب رابصورت اختصاصی برای جریدهٔ وزین امید نوشتم. با نشراین مقاله، سالگردنشراتی امیدنیزقریب است. امیدکه اضافه ازدو و نیم دهه هموطنان درغربت را درجریان اوضاع و حالات کشورومردم داخل گذاشته، امروزپا به بیست وهفتمین سال نشراتی اش گذاشته، بااغتنام از فرصت این سالگردخجسته رابه آقای محمذقوی کوشان ناشرومدیرمسئول امید، محترمه داکترثمیله کوشان همسروهمکارمحترم محمذقوی کوشان، که همواره برای ادامهٔ نشر امیدبذل مساعی کرده تامشتاقان خوانش وپژوهش نا امیدنگردند، مبارکبادمی گویم.

همچنان درودبه ارواح پاک دوستان گرانمایه وپرمایهٔ اهل دانش وقلم که سالهای زیادی همسفرامید بودند، امید میدان وجولانگاه تراوشهای فکری و قلمی شان بود، چون مرحومان غلام حضرت کوشان، سیدقاسم رشتیا، سیدفقیر علوی، سیدشمس الدین مجروح، استادغلام علی آیین، سیدخلیل الله امین، محمدسعیدفیضی، داکتر محمداسلم خاموش، محمدکامل انصاری، غلام حسین فعال، استاد هاشمی، و همچنان به روح مرحوم انجنیرحاجی محمدعصیم کوشان همکار جوان امید که تاواپسین روزهای عمر کوتاهش درخدمت امید و همکاری با والدین عزیزش بود، شاد باشند وجنت فردوس مکان همهٔ شان باد. افزون بر آن به همکاران امید که تاامروز با نگارش های علمی وفرهنگی شان هم میهنان خویش راازمسایل مربوط به وطن آگاه میسازند، نیزسالگرد امید راتبریک می گویم وبرای همهٔ شان طول عمروسعادت دارین می طلیم .

روزجهانی مطبوعات همه ساله از بدوتأسیس ازطرف سازمان ملل متحد و موسسه فرهنگی، تعلیمی وتربیتی یونسکو، کمیتهٔ حمایت از روزنامه نگاران، انجمن خبرنگاران بدون مرز، سازمان حقوق بشر و نهادهای وابستهٔ آن، اتحادیهٔ ژورنالیستان مسلمان، نهادملی ژورنالیستان افغانستان،بنیادگزارشگران آزاد جهانی وهمه موسساتی که درراستای آزادی مطبوعات ونقش وسایل ارتباط جمعی جهانی، در روشن کردن اذهان عامه کاروفعالیت مینمایند، تجلیل میشود.

شاخص آزادی مطبوعات سال۲۰۱۷ یک نقشهٔ ازهمیشه سیاهتر ازآزادی مطبوعات رانشان میدهد. افغانستان دربین ۱۸۰کشوردرد ردیف ۱۲۰آن قراردارد. این درحالیست که ۳۴۸خبرنگار درسراسر جهان زندانی اند. طبق گزارش سازمان خبرنگاران بدون سرحد، وضعیت آزادی مطبوعات درحدود دوسوم بدترشده است. طبق گزارش سیگار ۶۷۸۵ سربازوافسرپلیس ملی وقوای مسلح وامنیت ملی کشته شده اند و۱۱۷۷۷مردم ملکی زخمی شده اند. اگر۶۷۵۸راتقسیم۱۲ ماه وتقسیم۳۶۵ روزیکسال نمایم، درهرماه ۵۶۵ سربازو افسربه کام مرگ میروند ودرهرروز ۱۹ تن شان به شهادت میرسند. گذشته ازآن، ارقام دقیق ازآمار گشته شدگان ملکی نظربه گزارش هرنهاد فرق میکند. سخنگویان بلی قربان گوی دولتی آمار دقیق تلف شدگان راکتمان مینمایندو نمونه های آنراذر حملات انتحاری وانفجاری های اخیرکه مود استشهادی هم برآن افزود شده، آمار ارائه شدهٔ کشتگان ومجروحان ملکی، مسئولین شفاخانه هاوسخنگویان امنیتی وكشفی یکسان نبوده است. به همه حال قتل انسان قتل بشریت است، ونشان داده چهرهٔ خشن و روحیه ورویهٔ زشت به مقابل اهل مطبوعات، فانه زنی به تابوت دموکراسی وعدالت اجتماعی پنداشته می شود.

سخنگویان دولتی باوجود ناکامی مطلق این دم ودستگاه (شاغاسی ها) اندکه هرروز لاف وگراف دارندکه اربابش شانزده ساعت کارمیکند وسخن گویان احزاب سیاسی هم دموکراسی وآزادی مطبوعات را مردودمیشمارند. و بعضی ازرهبران پوشالی و (موالات گر) برای آیندهٔ کشور گویایازیک (امیر آهنین) نوع عبدالرحمان خانی سخن بپهلوی سخن میگذارند وباذهن کور و ضمیر لرزان شان سهم یک ولسوالی ویک علاقداری وحتى یک قریه رابیشتر ازیک ولایت طلب میکنند.

و زمانی که اهل واقعی وآزادهٔ مطبوعات این مطالب راوضاحت میدهند، آنان بروسایل ارتباط جمعی می تازند. بایدگفت اگررهبرانی راکه گویا باوجودرأی های گوسفندی، مرغی و گاوی رویکارآمده اند، وگویااینکه ملت انتخاب نموده، گنهکارمیدانیم. پس به حکم وجدان وباحیای تفکروبه کرسی نشاندن حق وحقیقت، به انتخابات فکرنکیم وبی تفاوت باقی نمایم . درغیرآن اگربه گرد گزینه های امتحان داده شده برویم، ودراصل هم میدانیم که آزموده راآزمودن خطاست، پس خود نیزشریک جرم شمرده می شویم .

شعارزدگی وتحمیل ودبکنهٔ چهره های تصنعی بیماری چنددهه است، بعضی های مان برای یک شکم نان که بزودی هضم میشود، ویک لنگی که به سرمان تو داده میشود وباهم چین هایی که بسرشانهٔ مان انداخته میشود، از حق وحقیقت عدول میکنیم، وکسانی راکه درسونامی های چنددهه تا نابودی ملک وملت پیش رفته اند، سیاه نمایی کردند وهیچ روی سفیدی ندارند. اینان بدون عقلانیت ومسئولیت بازهم این دمل های چرکین راترجیح میدهندوبه نفع شان خوش خدمتی وتبلیغ می نمایند. بقول لینتون گهرآزبی ستراتریست سیاسی ومفکر استرالیایی، این کارشان پرتاب کردن گربه یا پشک مرده به وسط سفره ودسترخوان نام میدهد.

هرچند موعظه و اندرزوحرف زیاد دریک فضای مکدر وبسته بعضی هارا بیزار میسازد، وبعضی هارابه تفاوت، اماوظیفهٔ شرف حرفهٔ ظریف وحرهٔ نحیف خبرنگاری وعلم وفن ژورنالیسم وطرق درنظرگیری میتود نامه نگاری حرفوی ومسلکی ایجاب میکندکه بایدگفت ونوشت: روزنامه نگاری جرم نیست ! Journalism is not crime ! بلکه یافتن مجرم است. روزنامه نگاری حرفوی راه رفتنی رابایدیادگیری برووی قوغ آتش و باید تابوشکنی کرد. خشونت علیه خبرنگاران طبق گزارش کمیتهٔ مصونیت ازخبر نگاران روبه فزونی است، گروگانگیری وبازداشت آنان بصورت فزاینده رشد شش درصدی داشته است. درسراسرجهان خبرنگارانی که زندانی اند درترکیه ۷۰۰، درچین ۱۰۳نفر، سوریه ۲۸ نفر، مصر ۲۶، ایران ۲۴، کوریای شمالی ۱۹ نفر، هکذا روشهای متعدد وفشارها مبنی برخودسانسوری نیزدرسطح جهان اشاره شده، در راپور خبرنگاران بدون مرزتذکارگردیده که گروگانگیری روزنامه نگاران هم زیاد بوده جمعا ۳۶ خبرنگار، درسوریه ۱۶، درین ۱۰ و درعراق ۱۰خبرنگار گروگان گرفته شده اند.

طبق گزارش مذکور۵۴موردخشونت علیه خبرنگاران درافغانستان که ۲۱٪ آنراکارمندان عالی رتبهٔ دولتی انجام داده اند و ۱۶٪ طالبان عامل آن بوده اند. ۸۰٪ خبرنگاران مصونیت کاری وشغلی ندارند، مشکلات مالی برای روزنامه نگاران وآزار واذیت خبرنگاران زن بصورت سرسام آور روبه تزايدمیباشد، وظاهرا کاهشی درزمینه چندان محسوس وملموس نیست.

این درحالیست که برای جلوگیری ازآزار واذیت جنسی زنان ودختران شاغل درکار رسانه بی، اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان ونهادهای همسو باآن به دختران خبرنگار وهمکار درسانه هاتوصیه نموده که بخاطرجلوگیری ازمزاحمتها وآزارواذیت وخشونت، اگرنامزدندارند وعروسی نکرده اند، بازهم حلقه یاجله به انگشت نمایند وآتراسپردفاع تلقی کنند. بهرحال، ماهیت تهدید هاوخطرهاروزتاروزبرعلیه اهل رسانه هاافزایش داشته، سال۲۰۱۶ خونین ترین سال برای خبرنگاران مان محسوب میگردد، که در۶ ماه اول آن سال ۱۰ خبرنگاروکارمند رسانه کشته شدند.

من بحیث یک روزنامه نگارسابقه دار وطن درحالیکه به اصل کار حرفوی خود پی میبرم وروی این وظیفهٔ سترگ ملی تاکیدو تایید میورزم، روزجهانی مطبوعات رابه همه همکاران گرامی مطبوعاتی ام وهمه اهل رسانه های گروهی تبریک وتهنیت میگویم، وهمانطور که دربرنامه های تلویزیون ام در پروگرام های سه ساعتهٔ دریچه سخن روی بسیج شدن نخبگان واقعی حرف هاداشته ام، یکباردیگر روی یک همبستگی ملی نخبگان واقعی دریک اجماع ملی وبین المللی هستم. درین راستاهم نامهٔ سرگشاده به ملل متحدفرستادیم وبا نمایندگان یونیمهام صحبت کردیم که ملل متحددرصورت کاندید شدن یکی از اصحاب مطبوعات درانتخابات بعدی، همکاری ومدد گاری نماید. همچنان بخاطری روی اجماع ملی وبین المللی یاد آوری شده که این اجماع که مصرف پولهای داده شده، وعده داده شده راتاحدودی بیمه میکندوبه مفکوره های عبدالرحمان خان خواهی نه میگوید، که اوضاع واحوال کنونی همچو نظرات ودیدگاه هارا دیگربرنمی تابد وشرایط رابرای یک ریفرندم و زعیم ملی ورهبرواقعی مهیا می سازد.

امیدوارهستم تاپیرامون این موضوع بنویسند ووضاحت هایی نمایند

تقابل کی جی بی ... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

اطلاعات اخیرنشان میدهدکه وقتی تره کی به هاوانا رفت، برایش هدایت داده شدتا کارحفیظ الله امین رایکسره سازد. امین ازاین تصمیم ازطریق سفارت فرانسه اطلاع یافت. به مجردی که طیارهٔ حامل تره کی به فضای کابل نمایان شد، امین برای مدتی امرنشست طیاره رانداد تااینکه تصمیم گرفت بااوچه کند. وقتی طیاره به میدان نشست، تره کی را مردمانی که با امین ارتباط داشتند، راساً به ارگ آوردند. اطلاعات جدیدنشان میدهدکه تره کی رانفرهای امین توسط بالش نکشته بلکه امین امرکردکه سرتره کی رادر چاه بدرفت داخل نمایند وتره کی درمیان موادفضله جان داد. مرحوم محمد کاظم آهنگ نیز این مسأله را تایید نموده است./ (دنباله دارد)

تا امانت به اهلش سپرده شود وبرای روشن نمودن اذهان عامه و بیداری وپویایی ملت بیشتر سهم بگیرند وادای دین و رفع مسئولیت نمایند، که دیگرزمان استخاره سیری شده وازقماش استخاره گران دیگر برگردهٔ این ملت تحمیل نخواهندشد.

بن بست همان جایی است که ایستاده یی فاقدحرکت. روی آوردن به مرحلهٔ نوین وایجادیک الگوی خوب وموردنیاز مستلزم سهم همگانی وبسیج عمومی است وپاسخی به دکتاتوران، خیره سران، خودخواهان، معامله گران که درصفوف پاک ملت خط و



خطوط میکشند ودریافت اقوام وتعمیم زبانها و عدم تمکین به وحدت ملی واقعی بازگفته شودکه اگربه واقعیتهاتن نمی دهند واز قطار ریل خارج میشوند، آزادهستنداماهیچگاهی به منزل نمی رسند./

شمانوکرهاوغلام های چتلیستان ! مرگ بررئردفرد شما وطن فروشهای لعنتی ! دودی ز ما خوری. عو عو په سلاح خانه کوی !

از سوی اتحادیهٔ جهانی خران به وزارت محترم ترانسپورت ! از آنجاییکه شما میدانید خران با احساس جهان از ابتدای تاریخ به اینطرف نقش مهم در ترانسپورت و حمل آدم ها و اموال شان را بر عهده داشتند، ما متوجه شدیم که حکومت جلیله افغانستان با گذشت هفده سال و سرازیر شدن میلیاردها دالر هنوز با مشکلات ترانسپورت دست و پنجه نرم میکند، اتحادیهٔ جهانی خران با تعهد خرائهٔ خود لازم دانست تا صد رأس خراز نوع تب دار، یک سلنדרه، هرکندیش دار و با مودل ۲۰۱۷ را به وزارت ترانسپورت اهداء نماید تا مشکلات مردم شهر کابل در لین های خیرخانه، کارته نو، شاه شهید، کوته سنگی و دیگر نقاط شهررفع شود؛ ما خران با وجدان از وزارت محترم ترانسپورت صمیمانه خواهشمندیم تا از کمک های بلاعوش ما که بر اساس خرییت ما استوار است سوء استفاده نکرده و استفادهٔ جایز از آن نموده تا کمک های خردوسانهٔ ما ادامه پیدا نماید.

قابل ذکر است که این خرها از آموزش های لازم برخوردار هستند و در صورت لزوم لگد نمیپرانند، همچنان باید موبلایل تبدیلی به وقت آن انجام شود و یونجه و علف به سه وقت داده شود، خران گرامی ما برای استفادهٔ عموم مردم است و از آن استفادهٔ شخصی در خانه ها و قریه جات نکنید، همچنان خران ما را پرزه پرزه نکنید و گوشت آن را به فصابی ها جهت تناول عسکران غیور کشورتان نفروشید؛ همچنان با درک حفظ مناسبات طرفین و حیثیت ناموسی برای خران ؛ کوشش کردیم که خرها ماده نباشند بلکه از میان خران نر که با احساس و آبرومندکه سردسترخوان پدرکلان شدند انتخاب کردیم.

امید است وزارت محترم ترانسپورت پس از دریافت کمکهای بلاعوض اتحادیهٔ جهانی خران مراتب اطمینان رابه ماداده تاما قرار داد خویش را به شما بصورت محترمانه گسیل داریم .

باحترام ، اتحادیه جهانی خران ! /

نصیراحمد رازی

واژه های همسو با تصوف

عرش **:** دراصطلاح قرآن تخت رب العالمین است که تعریفش *کرده* نشود و کیفیت وبیان حد آن درشرح جایزنباشد وگویند باقوت سرخ است که ازنور حق تعالی می درخشد. ازامام باقرعلیه السلام نقل شده (الروضة من الکافی،۹۵) که همه چیزازآب وعرش خدانیز برآب بود. مفسرین دربارهٔ عرش اختلاف کرده وگفته اند: عرش اعظم مخلوقات است واستوی علی العرش صفتی است برای خداو معنی آن این است که برپادشاهی خودمستولی شد. (منهج ۴/۴۰) هم چنین آورده اندکه عرش جسمی است محیط برسایر اجسام وجهت تسمیهٔ آن عرش جهت تشبیه است بر سریرپادشاه، چرا که امور و تدابیر ازآن نازل می شود. درخبراست که جبریل خواست که طول عرش رابداند، سال هامی پرید تاضعیف شد ومانده گشت. خدا پرهایش مضاعف کرد بازهم پرید وضعیف شد وخدا قوتش زیاد کردتا چندبار... بازهم نرسید. خدا گفت: یاروح الامین چندهزار سال است که می پری؟ هنوز یک قائمه ازقوایم عرش نپریده ای و اگر همهٔ دنیاداشته باشی نتوانی به پایان برسانی. جبریل گفت: پاک کسی که چگونگی آفرینش راجز خود اونمی داند. آفتاب و ماه از نور عرش آفریده شد و درآغاز، نور هردو یکی بود.

دراصطلاح صوفیان عرش جسمی است محیط برجميع مخلوقات واشیا وبه جهت ارتفاع بسیار آن یا به عل شباهت آن به تخت، به هنگام نزول احکام قضا وقدر به این اسم خوانده شده است. همچنین عرش محل استقرار اسماء مقید الهی است وآسمان وفلک الافلاک ونفس کلیه رانیزعرش گفته اند. (فرهنگ اساطیر)

یوسف **:** یوسف محبوب ترین پسر یعقوب (پسر اسحاق پسر ابراهیم پسر تارح / آزر) است. او و ابن یامین از زنی به نام راحیل وده برادر دیگر از مادری جدا بودند.

ذرهٔ بی ازحُسن او درمصر اگر پیدا شدی

دل ربودی یوسف یعقوب بن اسحاق را (سنایی،۷۹۵)
یوسف بسیار نیک چهره بود وبدین دلیل او را به ماه تشبیه کرده اند. جز برادر تنی او این یامین، برادران دیگر به او حسد می بردند. برادران یوسف به او حسد بردند وخواستند او را بکشند و مخصوصا شمعون براین اصرارداشت، چنانکه درقصص قرآن مجید سورآبادی(ص۱۴۲) میگوید: «شمعون برادران رااز پیش پدر به یکسو خواند، گفت: ای برادران، من میگفتم شما را که یوسف را بکشید تا کار یکباره بود، ببیند که ما را متهم میدارد. بیایید تا با از آن چاه شویم ویرا بیرون آریم وپاره پاره کنیم.»بهر تقدیر، یهودا یکی از برادران با کشتن یوسف مخالفت کرد و به پیشنهاد او، یوسف را در چاهی خشک در سرزمین مسکونی خود کنعان در انداختند.

کاروانی که از آن منطقه عبور میکرد، غلام خود را در طلب آب بر سر چاه فرستاد، چون غلام دلدرد چاه انداخت، یوسف دردلو نشست و بیرون آمد. کاروانیان یوسف را با خود بردند. برادران متوجه شدندو به رئیس کاروان مالک دعر یا دعر یا رجوع کردندو گفتند یوسف بندهٔ ماست که گریخته است و او را به هفده درهم فروختند و مالک دعر از ایشان خطی مبنی بر فروش یوسف گرفت. در سورةٔ یوسف ۱۲، آیهٔ ۲۰ میفرماید: و شروه بئمن بخش دراهم معدوده. یعنی و فروختندش به بهایی اندک و درهم هایی چند. برادران یوسف پیراهن او را به خون گوسفندی آغشتند و به یعقوب گفتند که گرگ یوسف را دریده است. ازاینرو (گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده) معروف است. در برخی تفاسیر آمده که گرگ متهم نزد یعقوب آمد و در حضور پسران گفت که یوسف راندریده است و یعقوب سخن او را پذیرفت .

مالک دعر، یوسف را به عنوان بنده به عزیز مصر فروخت، عزیز وزیر اول مصر بود و این مهمترین مقام بعد از فرعون بود. یوسف در مصر به علت کمالات متعدد(از جمله دانستن شمارش و خط و علم به تعبیر خواب و زیبایی بسیار) به مقامات عالی رسید و سرانجام خود عزیز مصر شد. داستان عشق زلیخا به یوسف معروف است. زنان مصر بر اثر مشاهدهٔ حُسن یوسف مهوت شدند و دستان خود را به ترنج بریدند. سرانجام یوسف بر اثر تهمتی که زلیخا براونهاد، به فرمان عزیز مصر زندانی شد.

یوسف در علم تعبیر خواب استاد بود و علم تأویل معجزهٔ اوست و از آنجا که تعبیرات او همه به صحت می پیوست به او یوسف صدیق گویند. در زندان دو خواب را برای دوزندانی که از نزدیکان شاه بود تعبیر کرد که هر دو به صحت پیوست. سرانجام بعد از هفت سال یوسف را از زندان بیرون آوردند تا خواب فرعون را تعبیر کنند. فرعون خواب دیده بود که هفت گاو لاغر هفت گاو فربه را خوردند و باد هفت خوشهٔ سیاه و خشک را بر هفت خوشهٔ گندم سبز و تازه زد و آنها آتش گرفتند و سوختند. و یوسف این خواب را به قحطی و خشکسالی هفت ساله در مصر تعبیر کرد.

هفت گاو لاغر پُر از گزند هفت گاو فره‌ش را می خوردند

هفت خوشه زشت خشک ناپسند سنبلات تازه اش را می چرند

دفتر ششم مثنوی، ۵۹۹

یوسف علم تعبیر خواب را از پدرش یعقوب فرا گرفته بود. او در خُردی به خواب دیده بود که ماه و خورشید و یازده ستاره به او تعظیم می‌کنند، و یعقوب آن خواب را به اطاعت یازده برادر

یوسف از یوسف تعبیر کرده بود. یوسف بعد از اینکه خواب فرعون را تعبیر کرد به دستور او عزیز مصر شد. در هفت سال قحطی فلسطین، برادران یوسف از کنعان به مصر آمدند تا گندم بخرند. یوسف دستورداد که در هنگام بازگشت برادران رطل طلا در انبان این یامین برادر تنی یوسف که بعد از یوسف در نزد یعقول از دیگر برادران عزیز تر بود، قرار دهند تا یوسف بتواند او را به جرم سرقت در مصر در نزد خود نگهدارد و به این بهانه، پدر رادر طلب او به مصر کشاند. هنگامیکه برادران برای خرید غله به نزد یوسف رفتند، او نقاب به چهره زد تا شناخته نشود. یوسف هنگامی که جرم برادران با ثابت کرد، برقع از روی برداشت، فرمود که سر برآرید، اکنون که توبه کردید از شمار گذاشتیم و شمارادر کار آن پیر کردیم. ایشان سر بر آوردند روی یوسف بدیدند. (فرهنگ تلمیحات)

فرهاد **:** از قهرمانان معروف داستان خسرو و شیرین است. اوستخ فریفته و فتنهٔ شیرین بود، اما به آرزوی خود نرسید.

ز حسرت لب شیر ی هنوز می بینم

که لاله می دمد از خون دیدهٔ فرهاد (حافظ ۷۰)
فرهاد در عشق شیرین، رقیب خسرو پرویز بود. خسرو عهد کرد که اگر فرهاد کوه بیستون را بکند شیرین را به او واگذارد. فرهاد در آرزوی وصال شیرین به کندن کوه میپردازد، ازین رو به فرهاد کوهکن مشهور است و تیشهٔ او معروف است. سرانجام خسرو، برای از میان بردن فرهاد به حیله یی متوسل میشود، پیر زنی را مامور می‌کند تا به دروغ خبر مرگ شیرین را به فرهاد اعلام کند. فرهاد به محض شنیدن این خبر خود را از کوه فرومی افکند و می میرد.

جوافناد این سخن در گوش فرهاد

ز طاق کوه چون کوهی در افتاد (فرهنگ تلمیحات)
غلام **:** در اصطلاح دیوانی به معنی نوکر و خدمتکاران درگاهی و دیوانی است. خواجه نظام الملک گوید: غلام اذرگاه بسیاری رود، بعضی به فرمان و بعضی بی فرمان …(سیرالملوک، ص۹۳) که مرادش نوکران و خدمتکاران درگاه است. (اصطلاحات دیوانی)

دیوان **:** دیوان راهم ریشه با دبیر و دبیبی به معنی خط، در فارسی باستان دانسته اند.
مغرب آن دیوان است و در عربی و فارسی به معنی دفتر محاسبات دولتی، دفتری که نام لشکریان و سپاهیان و اهل عطیه در آن نگهداری می شد، و دفتری از این قبیل که در دستگاههای حکومتی به کار میرفته و نیز به معنی آنچه امروز ادارهٔ دولتی و وزارت و وزارتخانه گفته میشود، به کار می رفته…

مراد از دیوان، محلیست که عمال حکومت در آن می نشسته و به رتق و فتق امور می پرداخته اند، و یا وقتی که در تاریخ بیهقی می خوانیم «و کار دیوان ها قرار گرفت وحشمت دیوان وزارت بر آن جمله بود که کس مانند آن یاد نداشت.»«محل ودستگاه حکومتی آن دوره معاً مقصود است.(اصطلاحات دیوانی)

خشم **:** در اوستا، ائشم Aeshma نام دیو غضب و خشم است که پرستش دیوان را تجویز می‌کند. در برخی از متون، نام او « اهرسپند » آمده که با دو دیو دیگر به نام (ارسک و مینوخت) یک مثلث شوم و دوزخی را تشکیل می‌دهند.

خشم در آیین زردشتی یکی از پُر آسیب ترن دیوان و باصفت (خونین سلاح) معرفی شده و گاهی برای تکمیل عدد هفت، در گروه شش کماریکان و در برابر امشا سپندان قرار می‌گیرد. او همچنین رقیب سروش (فرشتهٔ اطاعت) است و سرانجام هم از گرز مهر به هراس میافتد و بدست سروش نابود می‌شود. در بندهشن، هفت قوه به دیو خشم انتساب یافته که با آن تمام موجودات را فنا می‌کنند. او یکی از دشمنان روان، در پل چینود بحساب می آید. اهریمن را او برانگیخت تا با ایجاد مجادله و از دیدار قتل و کشتار آسایش مردم را برهم بزند.

در فرهنگ اسلامی و بویژه ادبیات فارسی اگر چه خشم یک دیو بحساب نمی آید، خصوصیاتی که برای آن در نظر گرفته شده، مبین اهمیت و سابقهٔ این قوهٔ اهریمنی است و از آن جمله احادیث بسیاری از پیامبر وائمه در مذمت خشم و فضیلت کظم غیط نقل شده است. (فرهنگ اساطیر)

حلم **:** از فروعات حکمت عملی و از فضایل تهذیب اخلاق است. حلم آنست که نفس را طمأنینهٔ حاصل شده که به آسانی غضبناک نشود و اگر مکر و هوی به او رسد، در شغب نیاید. علم بی حلم چو شمع بی نوراست هردو باهم چو شمع زنبور است شهد بی موم رمز احرار است موم بی شهد بابت نار است کاشانی گوید: حلم عبارت از کظم غیط و احتمال اذیت خلق خدای رانه از سر عجز . (فرهنگ اصطلاحات عرفانی)

توحید **:** توحید، یکی گفتن و یکی کردن باشد. توحید به معنی اول شرط در ایمان باشد که مبدأ معرفت بوده به معنی تصدیق به آن که خدای تعالی یکی است:«انما الله اله واحد .» و به معنی دوم، کمال معرفت باشد که بعد از ایمان حاصل شود. آن چنان بود که هر گاه که مؤمن راییقن شود که در وجود جز باری تعالی و فیض او نیست و فیض او را هم وجود به افراد نیست، پس نظر از کثرت بریده کند و همه یکی داند و یکی بیند، و در این مرتبه، ماسوی الله حجاب او شود و نظر به غیر الله افکندن را شرک مطلق شمرد.

کمبری دج انالیتیکا… (دنباله از صفحهٔ هفتم)

قرار را پور جولی گود از طریق کاسپارسکی محققین پلیس بر تانوی در روز جمعه قرار را پور گاردین بعد از اجازه قضای محلی به دفتر مرکزی کمبری دج انالیتیکا داخل شده اند.

شام پنجم اپریل ۲۰۱۸ تلویزیون CNN در اخبار و پاورقی خود از مالک فیسبوک مارک ذو کر برگ تعداد آسیب رسیدگان معلوماتی را هشتاد و هفت ملیون نشر نمود، نه پنجاه ملیون که قبلاً فکر می شد. /

عزالدین کاشانی گوید: توحید را مراتب است: اول توحید ایمانی و دوم توحید علمی و سوم توحید حالی، چهارم توحید الهی . اما توحید ایمانی آن است که بنده به تفرد وصف الهیت و توحّد استحقاق معبودیت حق سبحانه بر مقتضای اشارات آیات و اخبار تصدیق کند به دل و اقرار دهد به زبان، و این توحید نتیجهٔ تصدیق مخبر و اعتقاد صدق خبر باشد و مستفاد بود از ظاهر علم و تمسک بدان اخلاص از شرک جلی و انحراط در سلک اسلام فایده دهد.

متصوفه به حکم ضرورت ایمان با عموم مؤمنان در این توحید مشارک اند و به دیگر مراتب منفرد و مخصوص. اما توحید علمی مستفاد است از باطن علم که آنرا یقین خوانند و آن چنان بود که بنده در بدایت طریق تصوف از سریقین بدانند که موجود حقیقی مؤثر مطلق نیست، الّا خداوند عالم جل جلاله، و افعال را در ذات وصفات و افعال او محو و ناچیز داند. و این مرتبه یی از مراتب توحید اهل خصوص و متصوفه است و مقدمهٔ آن باساقهٔ توحید عام پیوسته .

و اما توحید حالی آن است که ال توحید وصف لازم ذات موحد گردد و جملهٔ ظلمات رسوم وود او الّا اندک بقیه یی، در غلبهٔ اشراق نور توحید متلاشی و مضمحل شود، و در این مقام وجود موحد در مشاهدهٔ جمال وجود واحد، چنان مستغرق عین جمع گردد که جز ذات وصفات واحد در نظر شهود او نیاید. تا غایتی که این توحید راصفت واحد بیند نه صفت خود، و بدین توحید بیشتری از شرک خفی برخیزد، و خواص موحدان را در حال حیات از حقیقت توحید صرف که به یکبارگی آثار و رسوم وجود در او متلاشی گردد، گاهگاه لمحّهٔ بر مثال برقی خاطف لامع گردد و فی الحال منطفی شود و بقایای رسوم دیگر باره معاودت کند .

اما توحید الهی آن است که حق سبحانه و تعالی در ازل آزال به نفس خود نه به توحید دیگری، همیشه به وصف وحدانیت و نعت فردانیت موصوف و منعوت بود. (فرهنگ تلمیحات عرفانی) /

ادامه دارد.



دیوانهٔ زنجیری که بر تخت کابل نشست حالا تمام کشور را به گروگان گرفته !

خوب گوش کنین بچه های خر !

مه از یک تاده حساب میکنم، اگه همهٔ تان فوراً اوغان نشدین، باز یک بچق میکنم و به خیر همگی پیش ملا عمر همدگه ره خاد دیدیم !

وطندارای شیر پشتون معذرت باشه! جنگل که در گرفت تر و خشک میسوزه، اما ی عمل انتحاری نیس، استشهدایس، به یاری پدر کلان امام حسین جله شانو! همگی بهشت میریم وده اونجه خدا و ملایکا همه به زبان پشتو گپ می زنن .

خوب گوش کنین بچه های خر ! مه از یک

تاده حساب می کنم، اگه همهٔ تان فوراً

اوغان نشدین، باز یک بچق می کنم و به

خیر همگی پیش ملا عمر همدگه ره خاد دیدیم !

وطندارای شیر پشتون

معذرت باشه ! جنگل که در گرفت تر و خشک می سوزه،

اما ای عمل انتحاری نیس،

استشهدایس، به یاری پدر کلان امام حسین

جله شانو! همگی بهشت می ریم وده اونجه خدا و

ملایکا همه به زبان پشتو گپ می زنن !

عرض تسلیت

وفات بانوی جوان شادروان نسیمه سید رادرکالیفورنیاکه جنازه درورجینیا بخاک سپرده شد، به استادان بزرگوار خانم سیما سیدو سیداسدالله سید والدین مرحومه وبه خانواده های محترم سید، سلیمان، ساویز، رنזורمل، فضل، عزیز، ولی، فرزانه، کامیار، دانش، نعیم، رحمانی، روش وشاکری صمیمانه تسلیت گفته، وبرایش بهشت برین ازیارگاه ایزدی تمنای کنیم، وبه بازماندگان صبر و اجر فراوان می طلبیم.
همکاران جریدهٔ امید /

اظهار امتنان

ازهمه دوستان و عزیزانی که درمراسم تدفین وفاتحهٔ دخترم مرحومه نسیمه سید ابراز غمشریکی واشتراک نموده بودند، صمیمانه اظهار امتنان وسپاس می نمایم.

با عرض حرمت، سید اسدالله سید و خانواده /

کمبریдж انالیتیکا... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

کمبریдж انالیتیکا مودل های ساخته که خرمن معلومات پروفایل پرسونالیتی هرکاهل امریکا را تعبیر ویا ترجمه کرده میتواند.
نکس ادعاکرده که: درحدود چهارالی پنجهاز dataدربارهٔ هَرفردکاهل در امریکا بدست دارند. این مودلها به اساس ریسرچ سایکومتریک (علم اندازه گیری ظرفیتها وعملیه های دماغی – دکشنری آنالین) مایکل کوسنسکی که درسال ۲۰۱۳ هنوزکاندید دیپلوم PhDدر دانشگاه کمبریج (که CAاسم خود را انتخاب کرده است) بود، دیزاین شده است. کوسنسکی وهمکارانش مودلی ساختند که موضوعات(پیوند) Linkرابا(پسند) Like درفیسبوک به scoreیا درجه بندی OCEANشان مرتبط میسازد. OCEANیک سلسله سوالاتی اطلاق میگرددکه سایکولوجستهاآنها برای ریسرچ استفاده میکنندوپرسونالیتیهای مختلف رابه اساس پنج بعدDimensionsتشریح مینمایندکه عبارتند ازبعدهای:

پذیرش تجربه O p e n n e s s ,باشعوروصادق بودن Conscientiousnessاجتماعی وسرشاربودن Extraversion,موافق بودن– ضدیت نکند Agreeableness,و مطالعهٔ نیوروتیک بودن.Neuroticism

این CAسایکولوجی اجتماعی وتحلیل dataراباهم آمیخته است. آنها معلومات را ازیفسبوک وتویتر جمع آوری میکنند (که کاملاً قانونیست) و هم یکتعداد زیاد معلومات را ازمنابع دیگرخریداری مینمایند؛ مثال این منابع معلومات مشتمل است بر: از دیدن کدام تلویزیون حظ میبرد (FOXیا CNNوغیره)باکدام هواپیما سفر میکند، چه نوع عادت خریداری دارد، از رفتن به کدام نوع کلیسا، چه نوع کتاب میخرد، بکدام نوع مجله اشتراک کرده است وقس علیهذا. همهٔ این معلومات از data baseد اورگنایزشن های پارتی سوم به آسانی وتادیهٔ پول ناجیزبدست آمده میتواند. مثلاً ازشکایت درد کمرشمابه یک داکترفامیلی یایک کلنیک مراجعه میکنیدو معلوماتیکه ازشما گرفته شده درکمپیوتر شان ثبت گردیده است.

دو روز بعد اعلانات از طریق تلفونهای متعدد، ایمیل ها و پیام بشما مرهم ها، وسایل بهبودی کمر، مقناطیس ها و غیره را به قیمت های ارزان تا گزاف پیشنهاد میکنند. دوکتور و ستاف کلینیک ازین موضوع مطلع نیستند. ویا شکر خون تان فقط از نورمال یک یا دوخط بالاست بازهم شما توصیه های برای مرض دیابیت از هرکنج وکنارمیشنودومیخوانید. این عمل ازانقانون HIPAAکه اسرارمرضی فرد باید نشرنشود، کنار رفته است. ولی چون از data baseپارتی سوم گرفته شده، شفاخانه وکلنیک عدم پیروی از HIPAAرا مسؤولیت خود نمیدانند. اما اگر امنیت کمپیوترشفاخانه یاکلنیک و یاپارتی سوم (بیمه های صحی) جدی گرفته نشود، مصونیت معلومات البته که ضمانت شده نمیتواند و دزدان ارقام مردم برای اخذ معلومات وتعیین شخصیت مریض بیچاره که از دنیا خبری ندارد، آستین بر میزنند – دستگیر».

آنهاهمهٔ این معلومات راگرفته قراراظهارات نکس برای Behavior microtargetingاستعمال نموده وبرای هر فرداعلان مخصوص برای خودش میفرستند (مثالهای فوق). یعنی به عوض طرح اعلانات به اساس دیموگرافیک آنها از سایکومیتری استفاده میکنند. به عوض اینکه یک پیام برای همه خانمهایبرای همه جوانهایا همه سیاه پوستان بصورت متحد المال بفرستند، برای هرفرد رای دهنده متنی میفرستند که احساسات شانرايجوش بیاورد! بعبارت دیگر، اعلانات چنان ترتیب میآبدکه بر فرد احساس تبعیضی تولید میکند.مثلاً در زمان انتخابات، طرفداران ترمپ موضوع ایمیلهای شخصی هیلری کلنتن را که سی هزارایمیل مربوط به وزارت خارجه بود جدی گرفته بمردم هیلری را چون خاین جلوه داده تاحدیکه خانمهای طرفدار هیلری هم برایش رای ندادند و با شعارهای (حبس شود) پیام شان قوت میگرفت.

موفقیت این طرزالعمل مربوط به صحیح بودن پروفایل سایکو لوجیکی است که کمپنی مربوطه تهیه کرده است.

ولی سؤال این است که چقدرباخواندن چندتویت یامراسلات کمپیوتری روحیات یک شخص راکه ندیده اند درک میکنند؟ واضحست که بسیارزیاد میفهمند! دریک پروفایل ۲۰۱۶که برای مجلهٔ Dasیک مجلهٔ فرهنگی در زوریخ است، کوسنسکی درباره قدرت پیشگوئی مودل خود اظهارداشته واین مولف آنرا چنین جمع آوری نموده است:

قدرت مودل آنها (کوسنسکی و همکارانش) نشان داده که چقدر جواب سوالات شخص را پیشگوئی کرده میتواند و برای رسیدن به این هدف آنهابامساعی شدید ومصرانه شباروزی دوام داده اند. او گفته که: فقط با ده(پسند) در فیسبوک توانسته که بزودی یک فرد را بهتراز کار اوسط (عقلی) یک همکارش ارزیابی نماید. با ۷۰ بار پسند فردرا بهتراز رفیقش ارزیابی کرده میتواند. با ۱۵۰ بار پسند طفل رابهترازوالدین میشناخت. با ۳۰۰ بار(پسند) یک فردرا بهتر ازیارتشرش ارزیابی میکرد.با(پسند)های زیادتتر، یک فردرامتعجب ساخته که فکرمیکردچقدردربارهٔ خودمیدانست !

بایک قشون بات ها وچنین قدرت پیشگوئی طبیعیست که بهترین وسیلهٔ پروپاگند مهیاشده میتواند. قسمیکه سموئیل وولی به ستربت جورنال گفته: یک شخص منفردبه تنهائی خود میتواند هزاران آکونت بات ها را کنترول کند. این امر نه تنها مردم را درحلقه های نزدیک شان تحت نفوذ قرارمیدهد بلکه بالفعل الگوریتم سایتی را که فرد در آن مشغول است نیزمتأثر میسازد. چون باتها میتوانند در عین زمان به عناوین موردنظر درتویتر، فیسبوک، تولید پوستهای متوجه به هدف، تصاویر، حتی ویدیوهای یوتیوب عکس العمل نشان دهند، بیشتر موثر میباشند. این تکنالوجی میتواند آنچه مردم در یک لحظهٔ معین فکرمیکند تسخیرنماید. قراریکه البرایت به ایللینگ گفته است: «بعد این معلومات دوباره به آنها تکراراً فرستاده میشود و با استفاده ازپروفایل سایکوگرافیک، اوعلاوه نموده که:آنها میتوانند به هرفرد درتویتر، فیسبوک و درمحلیکه (سایتها) مردم از طریق پوستها وقصه ها دورهم جلب و جذب گردیده اند، معلومات تغذی نمایند؛ وولی به آن(قمچین احساسات) نام داده است.

با وجود همهٔ این معلومات هنوزهم یکتعداد سوالات تکنیکی، سیاسی، اجتماعی موجود است که ما نمیدانیم ولی آنچه میدانیم اینست که فعالیت کمپنی های چون CAهر چیز را تغییر داد. فیسبوک اکنون درشعلهٔ آتش انتقادات رسانه هاو کانگرس درگیر و دار است و این از جهتیست که به روسها اجازه داده بودند تا به الگوریتم شان طی انتخابات ۲۰۱۶ دسترسی پیدا کند. مارک ذوکر برگ CEOفیسبوک درشام ۲۱ مارچ ۲۰۱۸ باپروگرام ۳۶۰ اندرسن کوپر مصاحبه داشت، به اشتباه خود اقرار کرد و گفت روسها هنوز هم بایک تکنیک مختلف تلاش دارندتادراانتخابات میدترم۲۰۱۸ خلل وارد نمایند وحاضرند درینباره باکانگرس مصاحبه داشته باشند و وعده تحقیقات صادفانه داد؛ روزدیگرلاتامل کانگرس اعلان کرد که میخواهندباآقای ذوکربرگ مصاحبه داشته باشند. اینکه کارکنان ایالات مختلف چگونه معلومات آنالین را منحیت اسلحه استفاده کرده اند فقط سطح مشکلات را برملا ساختند عمق آن درک نشده است یا درآیندهٔ قریب فهمیده خواهد شد. معهدا، ایللینگ مینویسد رول کمپنیهای چون CAدر چین مساعی چیزی مانند یک معماباقی میماند. باید تذکرداد که ایللینگ در اینجا بامحافظه کارانه حرکت نموده یا اینکه معلومات جدید بعد ازنوشته اش ازعشق به سطح ظهور کرده است که چنین هم است.

چینل نمبرچهارتلویزیون بریتانیابه شام دوشنبه ۱۹ مارچ ۲۰۱۸ یک ویدیوئی را بنمایش گذاشت که حقیتاً ثبت شده بود. در ویدیو الکساندر نکس CEOکمبریдж انالیتیکاز(عملیات گزیدن) sting operationکه شامل رشوه وفرستادن فاحشه(دختران اوکرائینی جهت تغییرنتیجهٔ انتخابات درسریلانکا بودقصه میکرد. بعددرووزه شنبه ۲۰مارچ ویدیوی جدیدمخصوصآبه ارتباط معاملات ازطریق فعالیت CAدر اثنای انتخابات ۲۰۱۶ نشان داده شد که سوالات مهم را درباره رول این کمپنی به سطح کشانید. راپورترهای شبکه تلویزیون بااعضای ارشدکمپنی چونCEOنکس،منجینگ دایرکتر مارک تُرنبُول وتصدی آمر معلومات (آرقام) مکالمه داشته است.

یک مامورارشد CAبه راپورترهای اخباربلومبرگ گفت: برای بردن انتخابات بصورت قطعی آنهابه سه گروپ طرفداران هیلری کلنتن هدف داشتند که بنام (عملیات سه – چنگک) یادکرده اند: آیدیالستهای سفیدپوست لیبرال، خانم های جوان وسياهپوستان که معلومدار کمپاین ترمپ اینرا رد نمودند. نکس دراویل ساعات همان روز ازوظیفهٔ CEOبرطرف شد. مارک تُرنبُول منیجینگ دایرکتر، مساعی را که برای کمپاین ترمپ بخرچ داده بودند چنین بیان کرد: «بعضی وقت شما موسسات نیابتی یا proxyرا که قبلاً در آنجا وجود دارند استعمال کرده میتوانید» و دوام داده گفت:

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

«ماآنها را معلومات تغذی میکنیم...ما آنهارا استعمال میکنیم و مواد را به ایشان میرسانیم بعدآنهاکار را انجام میدهند. اوافزود:ما معلومات رادرجریان خون اترنیت زرق میکنیم وانتظار میکنیم که نموکند. همچنین اظهار داشت: در جریان مثل ریموت کنترول کمی فشار داده شده متوجه شکل گیری نتیجه میباشیم. باید چنین انجام یابد ور نه میگویند پروپاگند است. سپس آنچه انباشته شده به جامعهٔ آنالین نفوذ داده شده وسعت میآید ولی بدون کدام علامت– یعنی نه بکس قابل نسبت میباشد و نه رد یا میگذارد. از گفتار تُرنبُول نتیجه گرفته شدکه: ماحموشانه معلومات رابدیگروپها میرسانیم. هفتهٔ گذشته سم بیدیل راپوردادکه یک مستخدم قصرسفید بنام ریان مک افوی تصادفاً پاسوردمعلومات آکونت Proton Mailکمپنی سوییسی که ایمیل ها را بعد ازیک مدت معین از بین میبرد) درقرطاسیه قصر سفید نوشت و درستیشن بس محله ازخود باقی گذاشت.

نکس ادعاکردکهCAتمام ریسرچ، تمام معلومات،تمام تحلیلها،تمام اَهداف را به انجام رسانید، تمام دیجیتال کمپاین (ترمپ)، کمپاین تلویزیون رابدوش داشت و ارقام ما تمام ستراتیژی ها را (به کمپاین ترمپ)معلومات داد. درقسمت دیگرتُرنبُول گفت: معلومات آنقدر زیادبودکه تفاوتهای کم درسه ایالت میدویست را بصورت مکفی جبران میتوانست. تُرنبُول با یک راپورتر بنام رنجان که مشتری قبلی CAازسریلانکا بود گفته است:«برای بدست آوردن معلومات دو رانندهٔ اساسی انسان که مؤثرواقع میشود؛ ترس وامیداست – اکثرشان نه گفته شده وحتی غیرشعوری است – شما نمیدانید که آن ترس است تا چیزی که فقط آن عکس العمل را از شما فراخواند».

برای اینکه دخالت خود را پنهان نگهدارند تُرنبُول بیان داشت که ICAاکثراًقراردادی های فرعی را جهت پوشش فعالیت خود استعمال میکند. وهم به افتخارگفت کمپنی شان درانتخابات اهورو کینیاتا رئیس جمهور کینیا هم در سال ۲۰۱۳ و هم در سال ۲۰۱۷ دخالت داشتند. کامپاین نظر به تعداد زیاد معلومات غلط و اعلانات منفی به مظاهرات و تشدد انجامیده وبه ترس و امید گره زده شد. قبل ازینکه راپورپخش گردد Financial Timesراپورداد که CA سعی ورزیدتا مانع نشر راپورویدیوئی گردد. روزشنبه کارول کاد والادر به CBSNگفت: همچنین گاردین راتهذیدیده Sueنمودندا از نشرراپور اینکه کمپنی چگونه معلومات استعمال کنندگان پنجاه ملیون فیسبوک رابدست آورده است باز دارد. قصه گاردین ازنتیجه مصاحبه باافشاگری یک مستخدم سابق کمپنی بنام کریستوفر وایلی که بروز شنبه آنالین نشر یافت گرفته شده است .

آنچه مهم است اینست که: تُرنبُول درتیپ گفته (ثبوت بلاشک – دستگیر): «شکست کروکیت هیلری» را با اعلانات «امریکا را نمبر یک بساز» که ازطرف کمبریдж انالیتیکا پخش میشد صورت گرفت تجلیل میکردگفت O درcrookedبه ولچک تغییرداده شد.

کیمبریдж انالیتیکا، طبیعیست که همهٔ این ادعا هارا ردکرده است. تجربه نشان داده که فریبکاران هیچوقت به خطاهاواشتباهات خود نمی نگرند و ازآن نمی آموزند و شهادت ندارند که ازخطای خود پوزش بخواهند. بآنهم، CAدیریا زود در بحرعظیم نابکاری های خود غرق خواهد شد – دستگیر».

مدعی العموم AG=Attorney Generalایالت مسه چوستس مورا هیلی فیسبوک وکمبریдж انالیتیکاراتحت تحقیق قرارمیدهدزیرا مسکونین مسه چوستس حق سوالات آنی را ازیندو دارند. مورا هیلی این تصمیم خود را از طریق توبد اعلان کرد.پروفیسوردفیید کارول ازنیویارک میخواهدCAرا به اساس «قانون حمایت معلومات (ارقام)» بریتانیا در محاکمات انگلستان به قضاوت بکشاند. پروفیسرمیگوید: میخواهد که معلومات جمع شده درباره او برایش مسترد گردد. وهم نمیداند که کمپنی چطور درباره او به این نتیجه رسیده اند؛ زیرا تنها با نام و جنس و زیپکود امکان ندارد معلومات دیموگرافیک مکمل چنین لست پیشگوئی شان صحیح باشد، متیقن است که زیادترچیزها دخیل اند. CAبر کارول یک دوسیه داردکه موضوعات مهم را در باره اش پیشگوئی نموده است. نظریات کارول را ازمیزان ۱– ۱۰ در موضوعات مختلف چون حقوق تفنگداری، تعلیم وتربیه، مواظبت صحی وارزشهای اخلاقی واجتماعی درجه بندی کرده اند.(ص۶)

